



# کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دیمکرات کوردستان ایران

بها: ۵۰ ریال

شماره: ۹۷ - نیمه ۱۳۶۳ - ژوئیه ۱۹۸۴

## در این شماره:

- ① لاف و کزاف رژیم و (۲)
- ② پیام حزب به کنفرانس خلیج
- ③ اطلاعیه دفتر سیاسی
- ④ توضیح
- ⑤ جامعه نمونه (اسوه) ولایت ...
- ⑥ راه، راه، راه دمکراسی واقعی است
- ⑦ دو غریبه آشنا

## واقعیت و رؤیا

آقای "منصور حکمت" عضو دفتر سیاسی "حزب کمونیست ایران" در شماره ۸۱ ارگان مرکزی "حزب" خود بقیه در صفحه ۴

## رژیم و جنگ کوردستان

تهاجم گسترده رژیم ضد خلقی خمینی که در بهار امسال علیه مناطق آزاد کوردستان آغاز شد میسود همچنان ادامه دارد. لشکریان خمینی در چهار ماه گذشته با جمع آوری نیروی بسیار در جنوب، مرکز و شمال کوردستان اقدام به حمله نمودند و سپس این حملات را در مناطق مهاباد و سردشت تکرار کردند. سردمداران رژیم خمینی پنج سال است

بقیه در صفحه ۲



روستا و ایسجاد چند پایگاه گردیدند که برخی از آنها را در نتیجه فشار پیشمرگان ناگزیر ترك نمودند.

هم اکنون پیشمرگان كردستان از شمال گرفته تا جنوب به فعالیت خود ادامه میدهند، ضربات شکننده ای به دشمن وارد می آورند و هر وقت صلاح بدانند بداخل شهرها نفوذ میکنند. در واقع رژیم خمینی در روستاهای كردستان هیچگونه حاکمیتی ندارد و حتی در داخل شهرهای كردستان نیز حاکمیتش متزلزل است.

رژیم خمینی برای حفظ موجودیت خود اقدام به تأسیس پایگاههای نظامی در سراسر كردستان نمود. تعداد این پایگاههای کوچک و بزرگ در شهرها و روستاهای كردستان از رقم دوهزار تجاوز میکند. رژیم در برخی نقاط كردستان بویژه در اطراف شهرها در همه روستاها پایگاه نظامی ایجاد نمود. برای نمونه در ۲۷ روستای منطقه شهر ویران در چند کیلومتری شهر مهاباد، ۲۷ پایگاه نظامی وجود دارد و در شهر سنبلین بوکان مجموعاً ۱۲۵ پایگاه نظامی ایجاد

از یکسازی كردستان درم میزنند و هر سال با لاف و کزاف بسیار، نوید پایبندی موجودیت جنبش مسلحانه كردستان را میدهند. لیکن در بهار و پائیز سال بعد مجدداً سیل ارتشیان و پاسداران و بسیجیان بسوی روستاها و کوهستانهای كردستان سرازیر میگردد. حال اگر شاید در سراسر ایران فرد آگاهی پیدا نشود که به این حقیقت پی نبرد باشد که تبلیغات رسانه های گروهی رژیم و اظهارات گردانندگان جمههوری اسلامی در مورد سرکوب مقاومت مسلحانه كردستان ترفندی بیش نیست و كردستان نه تنها شکست نخورده و سر بلند و آزاد در مقابل نیروی ارتجاع ترونی و سطاتی پایداری میکند بلکه پنج سال فداکاری و استقامت ثابت نمود که جنبش در مکرراتیک كردستان خونین، بمانند مردش و مردش بمانند کوههای سر بلك کشید هاش شکست ناپذیرند.

از ابتدای بهار امسال حملات بی دریغ و گسترده خمینیان علیه مردم كردستان آغاز گردید. در مرکز و جنوب و شمال كردستان لشکریان خمینی با دارن تلفات سنگین تهاوقی به اشغال چند



گردیده است. این یکی از ارمغانهای  
جمهوری اسلامی برای مردم کردستان  
است. در عین حال وجود بیش از دو هزار  
پایگاه در کردستان نشانه «هراس و اطمینان»  
رژیم خمینی از جنبش انقلابی مردم  
کردستان است.

بطور کلی رژیم واپسگرای خمینی  
هر چند کردستان را خارج از چرخه خود  
میداند، هر چند پنج سال پیش  
در مرداد سال ۱۳۵۸ شخص خمینی  
علیه مردم کردستان دستور جهاد صادر  
نمود، و هر چند از هیچگونه جنایت و  
وحشیگری برای سرکوب جنبش انقلابی  
مردم کردستان در ریخ نورزید و از همه  
وسایل، از تهیدید و تطمیع، ریا و تزویر  
گرفته تا ایستاد نفاق و استفاد  
از خود فروختگان جاش بهره برداری نمود  
لیکن نتوانست براراده و پیاداری مردم  
ستمیده کردستان پیروز گردد.  
لشکریان خمینی هر بار سرفکند هونکست  
خسورده، و زون تر و در ماند و تراز پیش  
بمپایگاههای خود مراجعت نمودند  
و هر بار بیشتر و بهتر این حقیقت را  
در یافتند که کردستان تسخیرناپذیر است  
رژیم خمینی معمولاً در فصول

حملات بزرگ خود بمخاک عراق  
تهاجمات گسترده خود را بمناطسق  
آزار کردستان انجام میدهد. این امر  
چندین انگیزه دارد:  
نخست آنکه رژیم خمینی بعلمت  
کمبود نیروی انسانی و وسایل تدارکاتی  
قادر نیست تهاجمات بمخاک عراق  
و کردستان را تماماً انجام دهد.  
چندی است تا کنیک نظامی رژیم برای  
ترار گرفته که ماهها به سیخ نیرو  
میبرد از دست و سپس به عمل گسترده ای  
دست میزند. بارها اتفاق افتاده که  
لشکریان غرب و شمال غرب  
کشور به جنوب اعزام شده اند و سپس به  
جایگاههای اصلی خود بازگشته اند.  
همچنانکه بارها دیدم که از شمال  
شرق و یا مرکز کشور ارتشیان و یاسداران  
بسیجیان به کردستان روانه شد و پس  
از انجام مأموریت به مرکز اصلی خود  
مراجعت نمودند.

اینبار فاصله و تهاجم رژیم بمخاک  
عراق طولانی تر از فواصل پیشین بود.  
اکنون بیش از پنج ماه از حملات  
والفجر ۵۶ و حمله خیر میگذرد و رژیم  
بقیه صفحه ۲۰

بقیه: واقعیت و...

مطالبی تحت عنوان "شورای ملی مقاومت و معضل قیام" به چاپ رسانده است که پاسخ مختصری به آنها بی مناسبست نمیدانیم.

آقای "حکمت" نوشته "خور را چنین آغاز میکند:

"مسئول اول شورای ملی مقاومت بوردن کارسازهای نیست. این شغل قبل از هر چیز بسمه آلیاژ خاصی از سماجست در تناقض گویی و قابلیت ویژه‌های در تلفیق عبارت پردازیهای شبه انقلابی با اظهار نظرهای محتاطانه، کاملاً درست راستی و سنجیدنیاز دارد...."

جمله بالا که نمونه‌های از نگارش آقای "حکمت" است بهره‌رسانی نشان میدهد که ایشان هم از آن افرادی هستند که یکی از وجوه "انقلابیگری" و "قاطعیت انقلابی"

سازمانهای سیاسی را میگردانند. ظاهر به اعتقاد آنان هراندازه بنوان لحسن خشن تری نسبت به دیگران بکار برده شخصیت و اعتبار آنان را به ریشخند گرفت و سوابق مبارزاتی آنانرا خدشه دار نمود

بهمان اندازه برجگالی خصلت انقلابی خورشان افزود خواهد شد و "اراده" آهنین "شان در دفاع از" مواضع انقلابی "شان بیشتر صیقل خواهد خورد و نتیجتاً کارگران و زحمتکشان ایران و جهان بهتر و آسانتر آنها را "یکانه مدافع پیگیر" حقوق پرولسکارها بحساب خواهند آورد. اینچنین است که آقای "حکمت" بر احتی تمام سازمان مجاهدین خلق و سایر اعضای شورای ملی مقاومت را - که حزب در مکررات هم یکی از آنها است "آرمک" نام میگذارد و یکبارہ تمامی سوابق سازمان مجاهدین خلق ایران و آنهمه فداکاری در مبارزه علیه رژیم‌های جبار شاه و خمینی را بسادگی نادیده میگیرد و "مسموم رجوی" را "سبب معانعت از انقلاب و حفظ اساس وضع موجود" و "پسا بورژوازی عوام غریب خوش خیال" میخواند.

آقای "حکمت" بسان عده‌ای از انقلابیون دوخته دیگر چنان با حرارت به مبارزه قلمی علیه شورای ملی مقاومت مشغولند که گوئی در صحنه سیاسی ایران غیر از "شورا" هیچ دشمن دیگری سراغ



ندارند. آقای حکمت نیک میدانند که سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان، اولی در ابعاد سراسری و دومی در سیاحت کردستان مردانه در مقابل رژیم جمهوری اسلامی پیاخواسته‌اند و در پیگیری خونین وی امان هرروزه ضربات مرگباری بر پیکر رژیم وارد آورده، در اینسراه تاکنون شمار قابل توجهی از بهترین همزمانان خود را از دست داده‌اند. مبارزهای که هم‌اکنون در نهایت شدت ادامه دارند و بدون تردید تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه خواهد داشتند. اما آقای "حکمت" و همفکران وی با تمام نیرو میکوشند به هر وسیله‌ای که ممکن باشد موجبات تضعیف حزب دمکرات و سازمان مجاهدین را فراهم سازند. معلوم نیست که چرا و به چه علت تلاش شورای ملی مقاومت و تضعیف اعضای آن برای آقای حکمت و همفکرانش صورت یک "رسالت مقدس" را پیدا کرده است؟ به چه دلیل میخواهند "شر" حزب دمکرات (در کردستان) و "منافقین" (در ایران) را از سر رژیم خنثی کنند؟ راستی چرا آنها این نیابت را از جانب جمهوری اسلامی برعهده

گرفته‌اند و فرصت نمیدهند که خود جمهوری اسلامی این "رسالت مقدس" را بانجام برسانند؟ لابد پاسخ آقای "حکمت" تعیین پرسشها آنستکه شورای ملی مقاومت و سازمانهای تشکیل دهنده آن به علت "ماهیت و موقعیت طبقاتی" خود تفاوت چندانی با رژیم جمهوری اسلامی ندارند. مبارزه با بورژوازی باید با "قاطعیت" تمام در همه زمینه‌ها پیش برود. حال بورژوازی در حاکمیت باشد (رژیم خمینی) یا در موضع ایوژیسیون (شورا). حقیقی بالاتر از آن شاید هم با اعتقاد آقای حکمت مبارزه علیه مجاهدین و حزب دمکرات بر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ارجحیت دارد زیرا که رژیم جمهوری اسلامی بدلیل عقب ماندگی فکری و عقیدتی نیروی است میرا و محکوم به مرگ، لیکن جریاناتی از قبیل مجاهدین که با "عباراتی شیطان‌نمایی" حرف میزنند و میخواهند "با حرکت از لای لای شکاف انقلاب و ضد انقلاب" به قدرت برسند خطرناکتراند! بدیهی است

## لاف و کراف رژیم و وضع کردستان (۲)

گفتیم که: جنبش ملی - دیمکراتیک خلق کرد تحت رهبری حزب دیمکرات کردستان ایران، اکنون در مرحله گذار قرار گرفته است و چنانچه بدین تحمل تلفات سنگینی بتواند از جنگ جبهه‌های به جنگ پارتیزانی تغییر شیوه دهد پیروزی بزرگی بدست می‌آورد، چرا که جنگ پارتیزانی بهترین شیوه مبارزه مسلحانه یک خلق تحت ستم و کمپین است با دشمنی مجهز و ارای نیروی نظامی بزرگ.

در شرایط کنونی کردستان بطور کلی در ارای سه منطقه مختلف می‌باشد: نخست مناطقی که کاملاً تحت کنترل پیشمرگان قرار دارند؛ دوم مناطقی که نیمه‌آزاد هستند به این معنا که پیشمرگان همیشه می‌توانند در آن تردد نمایند لیکن بدلیل نزدیکی به دشمن می‌توانند در آنها مستقر شوند؛ و بالاخره مناطقی که تحت سلطه رژیم

هستند و پیشمرگان صرفاً برای انجام مأموریت‌های حزبی و عملیات نظامی در آنها رفت و آمد میکنند. بخاطر این وضع است که شیوه مبارزه ما (تاکنون) هم جنگ جبهه‌ای بود ماست و هم جنگ پارتیزانی. در بسیاری از مناطقی که در کنترل پیشمرگان می‌باشد، دشمن دست‌تپه یورش‌های وسیعی میزند و پیشمرگان نیز به منظور دفاع از خود و از مردم به مقاومت برمی‌خیزند و نتیجتاً درگیرها به صورت جنگ جبهه‌ای در می‌آیند. در مناطقی نیمه‌آزاد یورش پیشمرگان علیه دشمن و شیوه جنگ و گریز همچنان ادامه دارد، و در مناطقی هم که تحت تسلط دشمن قرار دارند پیشمرگان عملیات پارتیزانی انجام میدهند، به این معنا که بگونه‌ای غافلگیرانه ضرباتی بر دشمن وارد می‌سازند و بسرعت عقب‌نشینی میکنند. همانگونه که اشاره شد جنگ کردستان

پیروز باد جنبش ملی - دیمکراتیک خلق کرد.



تا به امروز بیشتر حالات جنبه‌های داشته و نیروهای جنگ پارتیزانی با اورکامل مورد استفادۀ قرار نگرفته است لیکن از یکطرف استقرار نیروها مافلا بگونه‌ای است که در رجا جنگ کردستان را بسوی جنگ پارتیزانی میکشاند و از طرف دیگر مصلحت جنبش مردم کردستان تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در آنست که تا کنیک جنگ پارتیزانی را در پیش گیرد. بدون تردید طی پنج سال گذشته پیشمرگان کردستان بچنان سطحی از تجربیات انقلابی دست یافته‌اند که بتوانند این مرحله گذار را با موفقیت پشت سر گذرانند و با هوشیاری و نظم شایسته، تا کنیک جنگ پارتیزانی را اختیار نموده دشمن را در چار سردرگمی سازند و سرتاسر کردستان را بصورت گورستانی بزرگ برای آن در آورند.

جنگ کردستان اینک دقیقاً در جهتی حرکت میکند که کاملاً با شکل و ظاهر مسئله مغایرت دارد چرا که برخلاف اعتقاد بعضی‌ها که گویا "حاکمیت رژیم ارتجاعی را در گسترش مییابد و بتدریج میروند که رژیم بسو

کردستان مسلط گردد" کفه ترازو بطرف نیروهای پیشمرگ سنگینی میکند و روز بروز نگرانی و انتظار ناشی از یورشهای کامیونیکه دشمن بمناطق آزاد کردستان در میان پیشمرگان روبه گاهش میگردد. البته به شرطی که پیشمرگان کردستان بتوانند جنبه‌های منفی مثبت جنگ پارتیزانی را کاملاً مدنظر قرار دهند و بکوشند جنبه‌های منفی آنرا از بین برده و از جنبه‌های مثبت آن حد اکثر بهره را بگیرند. نتایج سودمندی از آن بدست آورند. بعنوان نمونه بی‌دقتی و کم‌توجهی، اهمال در نگهداری اسرار، تظاهر و خودنمایی، رد پای جای گذاشتن (بویژه در مناطق تحت سلطه دشمن یا مناطق قبیله‌گرد رتزدیکی پایگاههای دشمن قرار دارند) وغیره باعث میشود که دشمن محل استقرار پیشمرگان را کشف نماید و از نقشه‌های آنان آگاه گردد و با توجه بانها برای خرمزدن به پیشمرگان طرح ریزی نماید.

در این مرحله نیروهای پیشمرگ در کردستان باید بسیار هوشیار و گوش‌بزننگ باشند و هرگز نباید مسائل فرعی

## پیام ح. د. ی. ا.

به

## کنفرانس خلیج

در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ تیرماه جاری کنفرانس با شرکت احزاب مختلف سیاسی از جمله احزاب کمونیست اکثریت کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست کشورهای غربی، احزاب سوسیالیست، سندیکاهای کسارگری و اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران، اتحادیه‌های زنان و نمایندگان جنبش‌های آزاد بیخس ازینج قاره دنیا در شهر بغداد تشکیل شد. در این کنفرانس که منظور بررسی آثار زیانبار جنگ ایران و عراق بر امنیت و صلح جهانی تشکیل شد بود هیأت نمایندگی حزب مکررات کردستان ایران نیز شرکت داشت.

طی سه روزی که کنفرانس به کار خود ادامه میداد، شرکت کنندگان در آن با آگاهی از نتایج فاجعه‌بار جنگ چهار ساله ایران و عراق، صدماتی که این جنگ متوجه خلق‌های دو کشور مسلمان و همسایه نموده است و خطراتی که در رابطه با آن صلح و امنیت منطقه خاورمیانه و سرتاسر جهان را بمخاطره‌انداخته است برای اجتناب از نابودی هرچه بیشتر منابع مالی و زمین‌رفتن نیروی انسانی و جلوگیری از انهدام شهرها و ورستاهای این دو کشور، مصرانه از طرفین درگیر بویسزه از رژیم جمهوری اسلامی ایران خواستند از ادامه جنگ دست بردارند و بندگان صلح‌طلبانهای که از سرتاسر دنیا برای پایان بخشیدن به این



جنگ خانبراند از بلند شد باست پاسخ مثبت بدهند .  
 هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان نماینده  
 خلق و بخشی از اپوزیسیون نیرومند و انقلابی ایران در مدت کنفرانس با  
 بسیاری از هیأت‌های شرکت‌کننده هم‌گفتگو نشست و پیرامون اوضاع ایران و  
 کردستان، گسترش پیوندهای مبارزاتی و شناساندن جنبش انقلابی مردم  
 کردستان ایران به رهبری حزب دمکرات کردستان به هیأت‌های مذکور  
 توضیح داد . هم‌اوقات کارکنان و در فرصت‌های مناسب اعضا هیأت  
 نمایندگی حزب در چندین مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردند و در هر مورد  
 نظرگاه حزب را در رابطه با جنگ ایران و عراق لزوم قطع کامل آن و نیز  
 در مورد حقوق ملی و انسانی خلق کرد با گاهی جهانیان رساندند .  
 پیام هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران که در جلسه  
 کنفرانس بوسیله یکی از اعضای هیأت قرائت گردید بگونه‌ای کم‌سابقه توجه  
 کلیه هیأت‌های شرکت‌کننده را جلب نمود . این پیام نیز بنوبه خود در  
 شناساندن چهره رژیم جمهوری اسلامی و روشنگری پیرامون جنسک  
 خونین ایران و عراق و بر ملا کردن هر چه بیشتر جنگ تحمیلی رژیم آخوندی  
 در کردستان ایران نقش بسیار مؤثری داشت . اینک متن پیام هیأت  
 نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران که در کنفرانس قرائت شده است :

ریاست محترم کنفرانس !

اعضا محترم هیأت رئیسه کنفرانس !

خانمها و آقایان !

ما برای بررسی آثار زیانبار جنگ خلیج

پرمسئله و آسیب‌های و نیز مسئول

پیدا کردن راهی برای پایان دادن باین

جنگ بی نتیجه بی هدف را اینجا گرد

آمده ایم . اکنون نزدیک به چهار سال

است که جنگی بزرگ و ویرانگر میان دو

دولت همسایه و هم‌زمان در آمد دارد و



اطلاعیه دفتر سیاسی :

# بمناسبت بشهادت رسیدن فرمانده نیروی بیان و همسنگرانش

همسنگران عزیز!

مردم مبارز کردستان!

پیشمرگان قهرمان!

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان  
ایران با تأثر و تأسف فراوان با اطلاع  
میرساند که در روز دوازدهم تیرماه  
۱۳۶۳، کاک محمد امین بهرام میرزا  
معروف به "چرچه" فرمانده نیروی  
بیان و عضو هیات اجرایی کمیته  
شهرستان بوکان، همراه با دوازده  
پیشمرگ در لاور در یگرنیروی بیان در منطقه  
شهر ویران واقع در چند کیلومتری شهر  
مهاباد، در یک نبرد قهرمانانه  
حماسه آفرین بشهادت رسید است.  
باشهید شدن رفیق عزیزمان

"چرچه"، حزب مایکی از وفادارترین  
وقهرمان ترین اعضای خود را از دست داد.  
چرچه از شمار آندسته از پیشمرگانی بود که  
از آغاز جنگ سصاهاه سال ۵۸ تاکنون با  
مبارزه بی نظیر و شایستگی بحق خود تمام  
پرافتخار پیشمرگ را در قلب پر محبت  
توده های مردم حک نموده بود.  
"چرچه" هیچگاه از مبارزه و تلاش باز  
نی ایستاد، همیشه در تحرك بود،  
پیوسته میخواست خدمتی بمخلوق انجام  
دهد، در تیردی شرکت نماید، و میکوشید  
درست در آنجایی باشد که احتیاج  
بوجودش هست. حتی بعد از آنکه به  
فرماندهی نیروی بیان نیز انتخاب شده

شکایت از این است



بسیار زود جای خود را باز کرد و محبت پیشمرگان این نیرو را بسوی خود جلب نمود. بهمین جهت پس از مدت کوتاهی از بسوی دفتر سیاسی به فرماندهی نیروی مزبور تعیین گردید.

شهید "چرچه" در همان حال که پیشمرگی شجاع و خستگی ناپذیر بود نمونه یک عضو حزبی با انضباط و وفادار به خط حزب نیز بشمار می آمد و در مدت پنج سال در هر فرصتی و در هر موقعیتی در برابر منحرفین از خط و مکرانیک حزب ایستاد و مقاومت نمود. شهید چرچه ایمان عمیقی به خط حزب و پیروزی قطعی مردم کردستان داشت و از همین رو تا آخرین دم حیات به مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ضد بشری خمینی قهرمانان ما ادامه داد.

بدون شك از دست دادن فرمانده "شایسته یی چون" چرچه و دوازده پیشمرگ همسنگر قهرمانش ضایعه بزرگی برای نیروی میان و بطور کلی برای حزب ما است. لیکن در اینهم تردیدی نداریم که در هفاوصد ها جوان مبارز دیگر کردستان اجازه نخواهند داد اسلحه شهیدان چرچه و همسنگرانش بر زمین باقی بماند؛

بود به عادت یک پیشمرگ دلاور داریم در خط اول جبهه نبرد میگرد؛ هرچند همسنگرانش بحق به این کار وی به هیچوجه رضایت نمیدادند. زیرا که "چرچه" بعنوان سرشاخه ۲۴ی نیروی پیشوا، از نزدیکترین و وفادارترین یاران کاک همزار، شهید فرمانده "نسام آور" نیروی پیشوا بود و در مکتب بسبب وی در پیشمرگی آموخته بود.

کاک محمد امین بهرام میرزا، در سال ۱۳۵۶ به اخذ دیپلم راه ساختن از هنرستان صنعتی مهاباد نائل آمد، اما قبل از آنکه بکاری اشغال و رزق انقلا ب قبلای آنکه بکاری اشغال و رزق انقلا لباس مقدس پیشمرگی بتن کرد. در جنگ سماه شجاعت بسیاری از خود نشان داد و عامل اصلی خلع سلاح شهریانسی مهاباد بود. "چرچه" ی شهید در اکثر نبردهای بزرگ منطقه مهاباد، رشت شهر ویران، شامات و جوم مجید خان نقش برجسته یی به عهد داشت، و در مدت پنج سال پیشمرگی شش بار زخمی شد. در پائیز سال ۱۳۶۲ چرچه شهید به علت شایستگی و کارآمدی به معاونت فرماندهی نیروی بیان گمارد شد که در این پست



## توضیح:

چون پس از خروج آقای "بنی صدر" از شورا مسائلی مطرح شده است که ممکن است سوء تفاهاتی در مورد التزامات حزب مانسبت به اسناد شورا ایجاد نماید برای رفع هرگونه ابهامی لازم میدانیم آنچه را در این مورد در گزارش کنگرس ششم حزب مآلمده است یادآوری کنیم:

در گزارش کمیته مرکزی به کنگرس ششم حزب که در بهمن ماه ۱۳۶۲ برگزار گردید چنین گفته شده: "..... ما عضویت در شورای ملی مقاومت را پذیرفتیم زیرا خواست اصلی ما یعنی در مکراسی و خود مختاری را در برنامه خود گنجانده بود. در زمستان سال ۱۳۶۰ پس از دو ماه بحث و گفتگو شورای ملی مقاومت سه سند را امضاء نمود که عبارتند از: سند شماره ۱ که مربوط است به دوران گذار از بر سر کار آمدن شورا تا تشکیل مجلس مؤسسان که مدت آن شش ماه تعیین شده است؛ سند شماره ۲ که اساسنامه داخلی شورا است، و سند شماره ۳ که مبرمترین وظایف شورا در این شش ماه را تعیین میکند. بمقیده ما تصویب این سه سند گام بسیار مهم و مثبت در حیات شورا بود. بویژه در سند شماره ۳ خواستهای مبرم خلقهای ایران فرموله شده است و شکر میکنیم که هر سازمان مترقی و مسئول ایرانی با هرگونه ایدئولوژی میتواند این سه سند را امضا نماید. شعار اصلی ما "در مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" بطور کامل در این اسناد گنجانده شده است. در بند سوم این سند، یکی از وظایف دولت



موقت اینچنین فرموله شده است: «خاتمه دادن به جنگ ضد خلقی علیه مردم کردستان با اعلام خودمختاری در چهارچوب تمامیت ارضی ایران و تلاش در راه از میان بردن آثار این جنگ». تصویب این سه سند نشرات اعضای شورا را بسیار به هم نزدیک ساخت.

میداریم که مابجز سه سند مزبور، در برابر متن هیچ برنامه دیگری منظور آنکه نظرها بطور کامل برای همه مشخص باشد رسماً اعلام ملزم نیستیم و تا آنجا که به برنامه مقدمانی شورا که از سوی سازمان مجاهدین پیشنهاد شد مربوط میگردد ما تنها محتوا و جنبه کلی این برنامه را قبول کردیم و در برابر «متن» این برنامه یا یکایک بندهای آن التزام نداریم».

در گزارش کمیته مرکزی به شماره ششم حزب در مکرات کردستان ایران ص ۵۴ «

کمیسیون انتشارات و تبلیغات  
 حزب در مکرات کردستان ایران  
 نیمه ماه ۱۳۶۲



## جامعه نمونه (اسوه) ولایت فقیه

عملکردها و شیوه حکومتی جمهوری اسلامی را کسان زیادی، بسیاری اوقات به خصوصیات اخلاقی و شخصی خود خمینی و یا افرادی از کارگزاران رژیم نسبت میدهند. در مقابل عده زیادی راهم عقیده بر اینست است که گرچه نقش شخصیت افراد و ویژگیهای آنها در موارد مشخصی نمیتوان انکار کرد لیکن عمارت رژیم در کل خود در واقع پرتویی از ماهیت و محتوای آنست و نقش افراد از حد پیرایه‌ی ویاتزی یعنی فراتر نمیروند.

نوشته زیر که قرار است در شماره‌های آینده نیز دنباله داشته باشد نگرشی است بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بمنظور توضیح و تشریح محتوای رژیم ولایت فقیه.

اساسی این باورها در اندیشه میروراند که مبنایست برای وصول به این جامعه «ارزشهای اجتماعی و فردی و ملی را که در طی قرن‌ها پدید آمده، زیست کرده و جنبه تقدس یافته‌اند باید زود و نفی کرد و تنها آند ستار شاعر اجتماع را استقبال کرد که به زمینه اعتقادی انسان عینیت بخشد. عبارت دیگر توانیست

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوع حکومت از دیدگاه اسلام را مساورای طبقات و سلطه‌گری فردی یا گروهی میداند و اعلام میکند که حکومت نتیجه تحول فکری و عقیدتی و تبلور سیاسی ملتس هم‌گیش و هم‌فکر است و در روند خود راه را بسوی هدف نهایی (حرکت بسوی الله) میکشاید. اندک نامطلبی در درك مفهوم حکومت از دیدگاه نویسندگان قانون



مقدمه هر چند که مستلزم نهیب و غسارت و  
کشتار گروهی و ایجاد زندان و کشتار گاهه  
باشد باز هم در برابر عظمت ایستاده  
"والا وجهان شمول" درهای بی اهمیت  
بیش نیست.

در مبارزه بر سر رسیدن بمقصود از  
دیدگاه نویسندگان قانون اساسی جمهوری  
اسلامی دو نیروی آشتی ناپذیر مستکبر و  
مستضعف در برابر هم قرار میگیرند.  
مستکبران طیف وسیع و گسترده‌ای  
هستند که سواره تحقق اندیشه‌های این  
فقه‌های با اصطلاح عارلند در آرای پایگاه  
ایقناتی مشخص نیستند و هر کسی میتواند  
مشمول این حکم قرار گیرد؛ مستضعف و  
زورمدار، داراوند اروپا و ترکی همه آنانکه  
از دید بیزش اعتقادات "فقه" سر باز زنند  
مدافع استکبار و مستکبر شناخته شده  
مسدود و رادم‌اند. در مقابل، مستضعفان  
یاران ولی فقیه‌اند که به ولایت‌وی ایمان  
آورد ه‌اند و حاضرند در راه‌وی ایثار کنند  
یعنی در کشت و کشتار و نهیب و غسارت و  
چپاول اموال دیگران و تصرف و استیلا  
بر سر زمین ملل دیگر سرد ریش پشای  
امام و ولی فقیه اند ازند.

رشد و تکامل و مناسبات تولیدی یا مسود  
نظر قرار نمیگیرند و یاد رحدی نیست که  
قابل توجه باشد. همه امور اجتماعی در نظر  
اینان در خدمت اندیشه "عینیت بخشیدن  
عزیمه‌های اعتقادی است که پایه قدرت  
سیاسی را تشکیل میدهد. اما زمینه‌های  
اعتقادی آنان حد و مرزی نمیشناسد؛  
چندان "والا وجهان شمول" است که  
در چهار چوب تنگ کشوری تنها  
میگردد. حدود نهائی و سرمنزل  
قدور آنان تشکیل "امت واحد جهانی"  
ست که تحت رهبری ولایت فقیه  
زارد ارد. برای رسیدن به این هدف  
والا وجهان شمول همه دستاوردهای  
سانی ملل عالم و اندیشه‌های بشری که  
پزستی و آسایش را فراهم کرد و بساط  
رتجاع و تزویر و تنگ ستم بر انسان  
ایرچیده‌اند مردود میدانند و حرکت  
کاملی آنان را انحرافی از مسیر جامعه  
"نمونه" یعنی همان جامعه مورد نظر انسان  
میدانند که در آن "اسلام شناسان عادل  
و پرهیزگار و متعهد یعنی فقه‌های عادل"  
زمان رهبری را درست دارند و ولی فقیه  
کاروان را در حرکت بسوی "الله" ره‌نمون

# راه، راه دموکراسی واقعی است

در شماره ۱۰ "کوررستان" بخشی از جستار  
"راه، راه دموکراسی واقعی است" نوشته "شخصیت سیاسی برجسته"  
گورد آقای "مکری" خطاب به آقای "علی اصغر حاج سید  
جوادی" نویسنده معروف تحت عنوان "موضع چپ در ایران"  
نقل گردید. همانطور که وعده داده شد بود اینک در این شماره  
نیز بخشش را بگیری از نوشته "مسزبور کهبویزه مسائل  
گوردستان را در بر میگیرد از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

لازم بنظر است که همانطور که آقای "مکری" خود نوشته‌اند  
نظراتشان "نظرات شخصی است و ربطی به هیچیک از احزاب  
و سازمانهای سیاسی فعال در گوردستان ندارد". بنابراین طبیعتاً  
"گوردستان" را نیز نباید بهیچوجه مسئول و جوابگوی ایرادات  
احتمالی به نوشته آقای "مکری" خواه از نظر لحن و خواه از نظر  
مفهوم دانست.

بعلاوه از آقای مکری پرسش می‌طلبیم که ناچار شدیم ما هم بمنظور  
خلاصه کردن، جاهاتی از نوشته ایشان را بهنگام نقل در  
"گوردستان" حذف نمائیم. این نقاط بصورت نقطه چین مشخص  
شدند. گرچه حتی الامکان سعی بعمل آمد تا است که حذف این  
نقاط موجب پیدایش نقصان چشمگیری در متن نگردد. معذک



امید است که آقای مگری به بزرگواری خود این خطاراکه علتی جز تنگی جا و کمبود صفحات " کوردستان " ندارد بر هیأت تحریریه ببخشانید .

آن واقعیت است و بین حقیقت و واقعیت فاصله از زمین تا آسمان است. این فاصله چگونه باید پیموده شود که خواست آقای د بیرگل حزب د مکررات کردستان ایران نخست به تجزیه ایران منتهی نشود و سپس انقلاب ایران به وسیله عوامل سیاسی و اقتصادی و جغرافیائی ضد انقلاب که اکنون سراسر زندگی مردم را از داخل و خارج در بر گرفته است نظیر کودتای ۲۸ مرداد نابود نگردد ؟ شعارهای د بیرگل حزب د مکررات کردستان یعنی د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان شعاری صادقانه و منطبق با واقعیت های کنونی انقلاب ایران نیست بدلیل زیره :

۱- این شعار و مفهوم سیاسی آن خود بخود نشانگر فاصله وجدائی بین کردستان از سوئی و ایران از سوی د یگسر است . . . محرومیت و ظلمی که بر برادران و خواهران کرد مارفته است نیز الزاماً موجب خواست خود مختاری برای کردستان بقید ر صفحه ۴۱

د رمورد کردستان و مبارزه بهر چه قور  
قبرمانانه پیشمرگان کرد . . . . .  
بصرسی همان معدود شماره های جنبش  
که در اختیار ارم میبرد ازم :  
" مانیازی به تا گید د و باره عقاید خود  
د زمینه های حقوق سیاسی و اقتصادی و  
اجتماعی مردم ایران نداریم با این توضیح که  
خود مختاری تنها حق مردم کرد یا مردم  
فارس یا مردم آذربایجان و قزوین و زنجان و  
مشهد و گرگان و خورستان و اراک و رفسنجان و  
کرمان و رشت و شهبسوار و ساری و بابل و قم و  
تهران نیست بلکه حق هر انسان است  
هر انسانی باید د تعیین سرنوشت سیاسی  
و اجتماعی و اقتصادی خود د رجامعه خود  
چهارچوب نظم د مکرانیک جامعه مختار و  
شریک و ناظر باشد " و آنچه که د بیرگل  
حزب د مکررات کردستان برای یک منطقه  
میخواهد ما برای همه مردم ایران  
میخواهیم اما این خواست یک حقیقت  
است و تحقق بخشیدن به این خواست  
د چهارچوب اوضاع کنونی ایران و انقلاب

# دو غریبه آشنا

لحظات باشکوهی بود. هر دو دستخوش هیجانی وصف ناپذیر شده بودند؛ اشک شوق در چشمانشان حلقه زده بود؛ صورت‌های پرچین و چروک‌نشان از تباری گل‌اند اخته‌بود. به گرمی همدیگر را در آغوش فشردند، تمیذ انستند بخندند یا گریه‌کنند؛ پرستوی خیال در آسمان خاطر ایشان پرگشود مهور؛ بسیار روزگاران در بدری، زندان، شکنجه و تبعید بر پرده نازاک خیالشان می‌لفزید. هر دو بهار زندگی را پشت سر گذاشته بودند؛ اولی در آستان برگریزان عمر و دیگری در حبوحه این برگریزان قرار داشت. "برف پیگیری بزمزگان کاج زندگی" هر دو نشست مهور.

دو آشنای غریبه یاد و غریبه آشنا؟ کدام یک؟ در واقع هم آشنا بودند و هم بیگانه، چرا که سی و پنج سال از کار بدون اینکه حتی یکبار از نزدیک همدیگر را دیده باشند، در دو حوزه حزبی با هم ارتباط داشتند. یکی در منطقه "بانه" و دیگری در اطراف "مهاباد". جدا از هم

فعالیت حزبی را آغاز کرده بودند. در تمام این مدت غیر از اوقاتی که بعد از دستگیری یا تبعید و فراری شدن یکی از آنها ارتباطشان برای مدتی قطع میشد پیوند حزبی آنها ادامه داشت.

گروهی از نمایندگان شرکت کننده در کنگره ششم بدورشان حلقه زده بودند و مردم شماره آنها فزونی میگرفت.

هر دو وساکت بودند. مگر چیزی بسرای گفتن داشتند؟ بعکس گفتنی‌ها داشتند لیکن در این لحظات شیرین نگاهها توانایی بیشتری دارند و لبخندها گویاتر.

پس از چندساعت دقیقه صدای بلند گوی نمایندگان را به یاد گذشت به سالن دعوت میکرد. رشته افکارشان را پاره کرد و هر دو بطرف سالن بر راه افتادند. اولی که اندکی جوانتر بود (یا بهتر است گفته شود: کهنه پیر بود) به کمک عصا و چوب زیر بغل راه میگرفت. پای چپش را اثر برخورد با زمین قطع شده بود و پای راستش را به علت

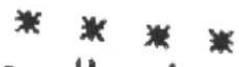


در تمام این دوران «چوارگاه» همواره یکی از مراکز فعالیت افراد حزبی بود. بهنگام شروع جنگ معاهده سال ۵۸ قار راغسا نیز مانند یک پیشمرگ جوان تفکیش را برداشت و به صف مقاومت خلق خود پیوست.



در سالهای آغازین سلطه رضا خان در روستای «نجنه علیا» از توابع پانه در خانواد «روستایی تنگدستی» مامقاله متولد شد. دوران کودکی قار در بسان هرکودک روستایی گری غیر از رنج و محرومیت چیزی دیگری دربر نداشت. فقر و تنگدستی پدر و ظلم و بیادار عله استبداد رضاخانی خیلی زود او را بار در خلق خود آشنا ساخت. قار جوان در سال ۱۳۲۷ آنزمان که جو شکست و تلخگامی ناشی از سقوط جمهوری خود مختار کردستان همجارا در بر گرفته بود به عضویت حزب درآمد. در جنبش انقلابی سالهای ۴۶ و ۴۷ در صف همزمان «آواره» و «سلیمان» و «اسماعیل» قرار داشت. در دوران مبارزات حزبی بسیار بفرندان افتاده بقید رصفه ۵۱

شکستگی گنج گرفته بودند، با وجود این از یاد گرفتن کمک یار دیرین در آشنای خود سرباز زد. میخواست بگوید: «هنوز توان آنرا را درم سربای خود بایستم!»



در حدود هشتاد سال پیش از این یکسال کمتر یا بیشتر، در دهکده «چوارگاه» در یکی از خانوادهای ایل منگور «قار راغسا» چشم به جهان گشود. سالهای کودکیش در همان روستا و در محیطی عشیرهای با آداب و رسوم ویژه آنزمان گذشته در استان زندگی حمزه آغای منگور و شهادت وی بدست دشمنان خلق کرد اثر عمیقی بر روح سرکش قار در خرد سال گذاشت. این مسئله بعد عمار ریوستن وی به کومهله «و.ک» در سال ۱۳۲۲ بسیار مؤثر بود. ادامه عضویتش در کومهله به حزب مکررات کردستان کشید شد. بهنگام استقرار جمهوری خود مختار کردستان «قار راغسا» با سمت سرگردی وارد خدمت گردید. بعد از سقوط این جمهوری نوپا، قار راغسا هرگز از مبارزه در راه آرمان حزب و خلق خود دست برنداشت. او بارها از طرف رژیم پهلوی تحت تعقیب قرار گرفت، آواره شد، درد دریدی را بجان خرید اما هرگز از ایمنشست.



در تمام این دوران «چوارگاه» همواره یکی از مراکز فعالیت افراد حزبی بود. بهنگام شروع جنگ سماهه سال ۵۸ قار آغسا نیز مانند یک پیشمرگ جوان تفکیش را برداشت و به صف مقاومت خلق خود پیوست.



در سالهای آغازین سلطه رضا خان در روستای «نجنه طیا» از توابع بانه در خانواره روستایی تنگدستی «مامه قاله» متولد شد. دوران کودکی قادر بسان هر کودک روستایی گذری غیر از رنج و محرومیت چیزی دیگری دربر نداشت. فقر و تنگدستی پدر و ظلم و بیادار علیه استبداد رضاخان خلیلی زور او را بار در خلق خود آشنا ساخت. قادر جوان در سال ۱۳۲۷ آنزمان که جو شکست و تلخگامی ناشی از سقوط جمهوری خود مختار کردستان همجارا در بر گرفته بود به عضویت حزب درآمد. در جنبش انقلابی سالهای ۴۶ و ۴۷ در صف همزمان «آواره» و «سلیمان» و «اسماعیل» قرار داشت. در دوران مبارزات حزبی بسیار به زندان افتاده

تکستی گسج گرفته بودند، با وجود این از پذیرفتن کمک یار دیرین ویر آشنای خود سرباز زد. میخواست بگوید: «هنسوز توان آنرا در ارم سربای خود بایستم!»



در حدود هشتاد سال پیش از این یکسال کتربا بیشتر در دهکده «چوارگاه» در یکی از خانوارهای ایل منگور «قار آغسا» چشم به جهان گشود. سالهای کودکیش در همان روستا و در محیطی عشیره ای با آداب و رسوم ویژه آنزمان گذشته. در استان زندگی حمزه آغای منگور و شهسار ت وی بدست دشمنان خلق کرد اثر عمیقی بر روح سرکش قادر در خرد سال گذاشت. این مسئله بعد از ریوستن وی به کومه «ژ.ک» در سال ۱۳۲۲ بسیار موثر بود. ادامه عضویتش در کومه به حزب مکررات کردستان کشیده شد. بهنگام استقرار جمهوری خود مختار کردستان «قار آغسا» با سمت سرگردی وارد خدمت گردید. بعد از سقوط این جمهوری نوپا، قادر آغسا هرگز از مبارزه در راه آرمان حزب و خلق خود دست برنداشت.

او بارها از طرف رژیم پهلوی تحت تعقیب قرار گرفت، آواره شد، در درگیری



بقیه: رژیم و جنگ . . . . .

هنوز قدرت اتمام بهتاجم تـ سـ ازه را باز نیاافته است. کمبود نیروی انسانی، ضعف روحیه لشکریان خمینی، تلفات سنگین سه حمله مذکور، فشار بینندگان بر لشکریان رژیم در کردستان، کشته شدن بسیاری از فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران و بالاخره فشار نظامی عراق در منطقه خلیج و برخی عمل دیگر، تهاجم گسترده و به زعم گردانندگان جمهوری اسلامی "نهایی" رابنا خیراند اختصه است. این فاصله طولانی به رژیم امکان داد که در کردستان به چندین پیورش بزرگ دست بزند.

پیشنهاد طرح مباح از سوی شورای ملی مقاومت و پذیرش آن از سوی عراق، وضع متشنجی که در نتیجه ضربات وارد به کشتیهای نفتکش در خلیج فارس پیش آمده و موجب اقدامات مسلح جویانه بسیاری از کشورهای اسلامی و غیرمتعهد و سازمان ملل و حتی قدرتهای بزرگ گردیده، سبب شده که شمار صلح در داخل کشور میان توده های مردم نفوذ کند و تندریج بدرون پادگانها و

پایگاههای نظامی نیز رخ نمایی است و بیهودگی و بیمعنای جنگ را برای لشکریان خمینی به نمایش گذارد. رکود در میدانهای جنگ اگر طولانی باشد عملاً منجر به متارکه میشود و شروع مجدد عملیات جنگی را دشوارتر میسازد. به همین جهت سردمداران جمهوری اسلامی کوشش دارند نگذارند این فاصله نسبتاً طولانی که از آخرین حمله بخاک عراق در ماه اسفند سال ۱۳۶۲ میگذرد تبدیل به رکود در جبههها و در نتیجه متارکه عملی گردد و ناآنجاکه قدرت دارند لشکریان خود را به عطیای جنگ در کردستان ناچار میسازند. تا بقبول خمینی "تنور جنگ را گرم نگذارند".

لشکریان خمینی در کردستان با دادن تلفات سنگین معمولاً چند روستا را موقتاً تصرف میکنند و دستگام تبلیغاتی دروغ پدید از رژیم امکان میدهند درباره پیروزیهای بسیار بزرگ و سرنوشت ساز داد سخن بدهد. اینکار برای بالا بردن روحیه ضعیف لشکریان شکست خورده خمینی اهمیت دارد. رسانه های گروهی رژیم از عقب نشینی ارتش ویاسد اران و از



شکست‌ها و تلفات سنگین در کردستان هیچگاه سخنی بمان نمی‌آورند. در نتیجه خلق‌های ایران تنها از پیروزی‌های کدایی اطلاع پیدا می‌کنند. واقعیت اینست که اگر طی پنج سال گذشته تعداد روستاهائی را که پاکسازی آنها از سوی لشکریان خمینی از رسانه‌های گروهی اعلام شده است بحساب آوریم از رقم ده هزار بیشتر خواهد شد. در حالیکه تعداد روستاهای سراسر کردستان ایران به ۷۵۰۰ عدد می‌رسد.

از پنج سال پیش که جنگ در کردستان ادامه دارد رژیم خمینی اولویت ویژه‌ای برای این جنگ قایل است و "پاکسازی" کردستان یعنی سرکوب جنبش دموکراتیک مردم کردستان را یکی از وظایف اساسی خود می‌داند. در جیب یکی از فرماندهان پاسداران که در این اواخر در منطقه سردشت در درگیری با پیشمرگان کشته شد، این عبارت بدست آمده است: "امروز زیر آسمان کبود هیچ عبارتی بالاتر از خدمت در کردستان نیست."

یکی از انگیزه‌های اصلی رژیم خمینی به کردستان نهادن جنبش خلق‌گور

چرا که خود رژیم همی برده کاپی‌سز شده‌نی نیست بلکه تضعیف آن است. در این زمینه بظاهر رژیم موفقیت‌هایی بدست آورده چرا که کنترل شهرها و جاده‌های اصلی ارتباطی را در دست دارد؛ هر چند این کنترل کاملاً بسود رژیم نیست بلکه برعکس لشکریان رژیم را آسیب‌پذیرتر ساخته است بطوریکه رژیم در دام فلسفهای افتاده که خود یافته است و آن اینکه جنبش کردستان از خارج تغذیه و حمایت میشود و اگر ما ارتباطی این جنبش بخارج قطع گردد نابود خواهد شد. پس از پنج سال تجربه سردمداران جمهوری اسلامی هنوز راکتور ندارند که توان و قدرت مداوم جنبش در این واقعیت نهفته است که با کوهستانها مردم کردستان پیوند ناگسستی دارند و رژیم خمینی هرگز به گسستن این پیوند موفق نخواهد شد.

تهاجمات امسال بهار رژیم بطور کلی در جنوب، مرکز و شمال کردستان بسا شکست روبرو گردید. نه تنها موفقیت‌های رژیم باتلفات سنگین و غنائم بسیاری که در



سیدان جنگ بجای گذاشت نسبتی نداشت بلکه این موفقیت‌ها بامتیاسه با پیروزیهای سال قبل نیز اندک بود. دلایل این شکست‌ها را اینطور می‌شود خلاصه کرد:

بندریج لشکریان خمینی (نه تنها ارتشیان بلکه پاسداران و بسیجیان نیز) به این حقیقت پی بردند که جنگ طیبه مردم کردستان جنگی ناهمدانست؛ آنها بچشم خود می‌بینند که کردستان نه از کفار خبری هست و نه از وابستگان به استکبار جهانی. کسانی که در برابر لشکریان خمینی مقاومت می‌کنند مردم زحمتکش کردستان اند که از ترافت و آزادی خود دفاع می‌کنند.

لشکریان خمینی در کردستان همانند چند سال پیش با ایمان و اعتقاد نمی‌جنگند و روحیه آنان بسیار ضعیف‌تر از پیش است. مانند سابق شیفته شهید شدن نیستند و زودتر تسلیم می‌شوند و با سارت در می‌آیند. و خیم‌تر شدن وضع اقتصادی کشور بیش از پیش درجه‌بندیهای جنگ اثر گذاشت است. کمبود ارزاقی در میان لشکریان خمینی کاملاً محسوس است. در جریان حمله بهاری بارها اتفاق افتاده که سربازان گرسنه به روستاها مراجع می‌شوند

و نان گسداشی کرده‌اند. کمبود مهمات تا کم کم احساس می‌شود. لشکریان خمینی در بکاربردن مهمات و بویژه مهمات سلاحهای سنگین صرفه‌جویی می‌کنند. یکی دیگر از علل شکست‌های اخیر آنست که کامل‌ترین در کردستان است. باقی‌مانده جاشها که تعدادشان اندک است، همه قشرهای جامعه کرده‌اند. هر کدام بشکلی از اشکال در مقاومت شرکت دارند. لشکریان خمینی هم مردم کردستان را دشمن خود تلقی می‌کنند. تعداد کمی نیست که پس از هر شکست روستاهای پید فاع را به توپ می‌بندند و کودکان و زنان و مردان سالخورده را به شهادت می‌رسانند.

از سوی دیگر کارآیی و تجربه جنگ پیشمرگان افزایش یافته و کیفیت شرکت آنها در رگیریها به سطح بالاتری ارتقا یافته است. فرصت طلبان بندریج از صفوف پرافتخار پیشمرگان خارج شده و کسانی باقی‌مانده‌اند که به آرمان مکرر و خود مختاری عمیقاً ایمان دارند. پس سال جنگ هزاران نفر از پیشمرگان کردستان را در میدانهای نبرد آموزش داد و باید



ساخته است . بسیاری از آنها و بویژه فرماندهان شان هم در تئوری و هم در عمل اصول جنگ پارتیزانی را فرا گرفته اند . آنچه در ماههای اخیر رژیم خمینی را سراسیمه نموده ، تغییر تاکتیک نظامی پیشمرگان است . پیشمرگان حالا بطور عمده از تاکتیکهای جنگ پارتیزانی و بویژه مین و کسین استفاد میکنند . اختیار این تاکتیک هم دشمن را ضربه پذیرتر ساخته و هم در آینده به طور مسلم نسبت شهیدان و مجروحین را در صفوف پیشمرگان به حداقل میسرساند .

سازماندهی تدارکات پیشمرگان در درگیریها بهبود چشمگیری یافته ، ارتباطات میان واحد های درگیر منظم تر شده و در نتیجه پیشمرگان که از تحرک کافی برخوردارند قادرند با آسانی مانور کنند و نقاط ضعف دشمن ضربه وارد آورند . از همه مهمتر آنکه بطور کلی پیشمرگان اصول تاکتیک عقب نشینی و حمله به موقع را یاد گرفته اند و در عمل آنها به کار میگیرند . شجاعت و قهرمانیهای پیشمرگان نیز جای خود را در در همه نبردها چشم میخورد .

در امر مقاومت مردم کردستان

نقش رهبری کنند ، حزب مکررات کاملاً نمایان است . نه تنها از نظر سیاسی جنبش مکرراتیک کردستان در زیر شعار حزب ما مکرراتی برای ایران و خود مختاری برای کردستان گرد آمده است ، بلکه از نظر سازماندهی و رهبری نیز حزب پرافتخار ما عملاً در رأس جنبش قس سرار دارد و از پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق توده های مردم برخوردار است .

در کردستان برخی گروههای سیاسی با تعداد اندکی از مبارزان مسلح خود در کنار پیشمرگان حزب در عملیات نظامی شرکت میکنند که این خود جای تقدیر است و مردم کردستان از آن استقبال میکنند . این شرکت هر چند هم سمبولیک باشد ، بیانگر همبستگی همه خالقهای ایران در مبارزه مشترک آنان در راه سرنگونی رژیم خمینی بشمار میرود . اغلب این گروهها عملاً به نقش تعیین کنند ، حزب ما از آنان دارند و گاهی در نوشته های خود نیز آترانه گس میسازند که جای خوشوقتی است لیکن برخی از گروههای غیربومی چنان در باره عملیات نظامی خود در کردستان در سخن مسمی دهند که گویی نقش اصلی در مقاومت مسلحانه



ساخته است . بسیاری از آنها را بویژه فرماندهانشان هم در تئوری و هم در عمل اصول جنگ پارتیزانی را فرا گرفته اند . آنچه در راههای اخیر رژیم خمینی را سراسیمه نمود ، تغییر تاکتیک نظامی پیشمرگان است . پیشمرگان حالا بطور عمد از تاکتیکهای جنگ پارتیزانی و بویژه مین و کسین استفاد میکنند . اختیار این تاکتیک هم دشمن را خیره پذیرتر ساخته و هم در آینده بطور مسلم نسبت شهیدان و مجروحین را در صفوف پیشمرگان بعد اقل میسرساند .

سازماندهی تدارکات پیشمرگان در درگیریها بهبود چشمگیری یافته ، ارتباطات میان واحدهای درگیر منظم تر شده و در نتیجه پیشمرگان که از تحسین کافی برخوردارند قادرند با آسانی مانور کنند و نقاط ضعف دشمن ضربه وارد آورند . از همه مهمتر آنکه بطور کلی پیشمرگان اصول تاکتیک عقب نشینی و حمله بموقع را یاد گرفته اند و در عمل آنها به کار میگردند . جماعت و قهرمانیهای پیشمرگان نیز جای خود دارد و در همه تیرها با چشم میخورد .

در امر مقاومت مردم کردستان

نقش رهبری کنند و حزب و مکررات کاملاً نمایان است نه تنها از نظر سیاسی جنبش در مکرراتیک کردستان در زیر شعار حزب ما در مکرراتی برای ایران و خود مختاری برای کردستان گرد آمده است ، بلکه از نظر سازماندهی و رهبری نیز حزب پرافتخار ما عملاً در رأس جنبش قرار دارد و از پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق توده های مردم برخوردار است .

در کردستان برخی گروههای سیاسی با تعداد اندکی از مبارزان مسلح خود در کنار پیشمرگان حزب در عملیات نظامی شرکت میکنند که این خود جای تقدیر است و مردم کردستان از آن استقبال میکنند . این شرکت هر چند هم معمولیک باشد ، بیانگر همبستگی همه خالقهای ایران در مبارزه مشترک آنان در راه سونگوشی رژیم خمینی بشمار میرود . اغلب این گروهها عملاً به نقش تعیین کنند و حزب ما از آنان دارند و گاهی در نوشته های خود نیز آنرا منعکس میسازند که جای خوشوقتی است لیکن برخی از گروههای غیربومی چنان در باره عملیات نظامی خود در کردستان در سخن مسی در دهند که گویی نقش اصلی در مقاومت مسلحانه

ابتداء هر اندیشه‌ای را اشتباه باشد از انصاف  
بعد و راست و بی اعتمادی تو در نه‌های مردم  
کردستان را نسبت به چنین گروه‌هایی  
بر میانگیزد. حزب و مکررات اعضایش را  
به فروتنی و احترام از زبانند پروازی عادت  
را در هاست. لیکن در برابر ادعاهای  
بی اساس و گزافه گوئیهای چنین گروه‌هایی  
ناگزیریم یکبار دیگر به این حقیقت  
اناره کیم که هر چه بر واقعی جنبش  
در مکرانیک - انقلابی مردم کردستان  
حزب و مکررات است و حزب ما بعد از شنیدن  
چنین نقش تعیین کنندهای به حقیق  
بخود می‌بالد؛ چرا که این رسالت تاریخی  
با بذل کوشش فراوان و مبارزات  
دراز مدت و تحمل شوا بهای بسیار  
و با پیشبرد سیاستی درست و منطبق با  
واقعیات کردستان و با ایثار خون  
بهترین فرزندان خلق بدست آمده است.  
بدین ترتیب رژیم ولایت فقیه  
خمینی در کردستان یکبار دیگر شکست  
خورده و به هدف‌های خود دست نیافته  
است. " پاکسازی کردستان " برای رژیم  
آرزویی بیش نیست و بدون تردید امکان  
تحقق آن از سال گذشته کمتر شده است و

یوشید و جمهوری اسلامی این آرزو را با خود  
به‌گور خواهد برد.

آنچه مبارزه مردم کردستان را  
در شوارت و طولانی ترمینازد عدم گسترش  
مبارزه مسلحانه جدی در سایر نقاط  
ایران است. از بلوچستان و هرمزگان  
خبرهای امیدبخش می‌رسد؛ لیکن مقاومت  
مسلحانه در آنجا هنوز تبلور نیافته  
برنامه خود را مشخص ننموده است.  
تنها بودن کردستان در میدان مقاومت  
مسلحانه به رژیم امکان میدهد در صورتیکه  
وضع روال گونوی خود را طی کند در آینده  
نیز حملات گسترده دیگری در کردستان  
مبارزات نماید. سازمانهای مکرانیک و  
انقلابی ایران و قبل از همه سازمان  
سجاده بین خلق که به مبارزه مسلحانه  
عقید دارند نباید بیش از این کردستان  
را تنها بگذارند و باید به یاری این سنگر  
خونین آزادی سراسر ایران بشتابند. اما  
راه کمک به کردستان ایمن نیست کسیه  
مبارزان مسلح خود را به کردستان نفرستند  
بلکه بهترین راه کمک به کردستان گسترش  
مبارزه مسلحانه در سراسر ایران و بویژه



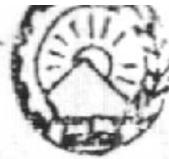
بقیه: واقفیت و...

وقتی نظرگاه کلی این باشد که مبارزه علیه "سوسیال امپریالیزم شوروی" بر مبارزه علیه "امپریالیزم امریکا" مقدم است چرا که روسی میرا و محکوم بهرگ است و اولی بالند میویا، تعمیم این نظرگاه در مورد سازمانها و شخصیت سیاسی هم به نتیجهای جز آنچه گفته شد منجر نخواهد شد...

راستی هم اگر آقای حکمت و همفکرانش تلاشی شورا، انهدام مجاهدین و خلع پد از حزب در مکرات را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند دل خود را بچه‌خوش کنند؟ آنانکه در غیبه سبب پرولتاریای ایران مقام قیم اجبه‌ساری وی را برای خود تثبیت نموده به دور از طبقه کارگر نه در تهران یا در اهواز یا تبریز یا اراک بلکه در مزرعه "میش کپه" ناحیه آلان از توابع دورافتاده "سودشت" مرکز استان ایران اقدام به تشکیل حزب کمونیست ایران نمودند ولی از ترس گزوه‌های رژیم جرات و امکان قدم گذاشتن به کارخانه‌ها و کارگاهها و تعاونیها را...

راند آرند و بناچار برای پیشبرد انقلاب پرولتسری ایران مقرر فترسیاسی حزب خود را صد هاوشاید هزاران کیلومتر دور از مراکز تجمع پرولتاریای ایران مستقر ساختند، طبعاً هم باید با این شیوه مبارزه خود را سرگرم سازند! اما محتوای اصلی سخنان آقای "حکمت" در مورد مصاحبه‌های است که کاک "مسعود رجوی" بایک روزنامه‌نگار بعمل آورد در آن بعد و نکته‌نواره کرده است: نخست آنکه قیام بر علیه شاه یک حرکت خود جوش بود، دوم آنکه دوران جریانات خود بخودی سال ۱۹۲۹ پایان گرفته است و شورای ملی مقاومت اکنون برنامه در مکرانیکمی دارد که هدفهای قیام را از قبل مشخص نمود و در از همین حالا برای رسیدن به آنها مشغول سازماندهی و برنامه‌ریزی است.

آقای حکمت بر ایندو نکته انگشت نهاده خواستند آنرا نقد کنند. برای اینکار با همان لحن "انقلابی" که شرح آن آمد به تشریح سناریوی پد اختند که البته در ذهن نمایش پد از خود ایشان شکل گرفته است و در گمان...



عمل شورای ملی مقاومت و مجاهدین باید بهنگام وید از قیام به مرحله اجرا در آید. معذک از آنجا که بنظر میرسد مقصود اساسی ایشان تنها تخطئه شور و سازمان مجاهدین است و نه استدلال و انتقاد روشن. بالاخره هم واضح و بدون ابهام نمیتوان فهمید که چه میخواهند بگویند.

زیرا بهر حال تمامی مسأله از حیث بررسیه نکته خارج نیست:

اول: آیا آقای "حکمت" منکر آن هستند که قیام بر علیه شاه یک قیام خود جوش وید وید وید برنامه ریزی و سازماندهی مشخص بود؟

دوم: بنظر آقای "حکمت" آیا قیام آینده مردم ایران علیه رژیم خمینی نیز باید — و امکان دارد؟ — باز هم خود جوش وید وید وید سازماندهی باشد؟ یا سازمانهای سیاسی حق دارند از هم اکنون برای اینکار برنامه ریزی کنند؟

سوم: اگر برای قیام آینده مردم ایران سازماندهی و برنامه ریزی لازم است در این صورت چرا باید این حق فقط ویژه "حزب کمونیست" ایشان باشد و "شورا" و بطور کلی همه سازمانها و گروههای

سیاسی دیگر کشور از آن محروم بمانند؟ بهجهدلیل وقتی رجوی میگوید که شورای ملی مقاومت برای قیام مردم ایران برنامه دارد و سازماندهی میکند، اینرا "سخن گفتن به نام قیام علیه قیام" است ولی وقتی آقای حکمت برای سازماندهی کارگران در حزب و شوراها و طبقاتیشان..... از طریق قیام در فردای قیام با تمام قوا تلاش میکنند "روا و برحق است؟ لابد برای اینکه "شورا" و اجزای تشکیل دهنده آن (مجاهدین خلق و حزب دمکرات.....) هم درگذشته هم در حال حاضر اهل عمل بود و هستند و فرصت چندانی برای دادن شعارهای شوینقلابی "فرسنگها بعد و راز واقعیت جامعه ندارند!".

آقای حکمت مدعی اند که: "قیام برای شورای ملی مقاومت و آقای رجوی یک بازیچه است". بوزنه افغان یکدر اسفند ماه ۵۷ آنزمان که حزب دمکرات اقدام به خلع سلاح پارگان مهاباد نمود هر روز بایرمانند اختن هیاهو در خیابانهای شهر نسبت باین اقدام انقلابی اعتراض





میگردند . زیرا که به گفته آنان چون حزب  
مکرات نمایند " بورژوازی و مد افسوس  
سرمایه داری است در مبارزه ناپیگیسر  
است و بزودی سلاحهای مصادره شده را  
بدولت تسلیم خواهد کرد . امروز همان  
" تحسلیگران " اند که پس از طی چند  
مرحله در گردیسی بصورت حزب کمونیست  
آقای حکمت در آمد هاند و از اینرو تعجبی  
ندارد اگر نظرات آقای حکمت تکرار همان  
نظرگاههای رفقای پنج سال قبلش در مورد  
خلع سلاح پارگان مهاباد و پیگیری  
و ناپیگیری در مبارزه باشد .

آقای حکمت که عقیده دارد قیام برای  
نورانی ملی مقاومت یک باریچه است ، در  
قابل گرچه شرح نمیدهد که خود چگونه  
خواهد قیام کند اما با همان شیوه  
تمایش نامه نویسی ویژه ، رئوس اصلی برنامه  
خود را برای همه از انجام قیام  
برمی شمارد :

" چرا باید قیام کرد ؟ حزب کمونیست  
بهیچکس اجازه پرده پوشی از یا منسوخ  
صریح . . . . . باین سوال را نمیدهد .  
قیام آتی نه صرفاً علیه خمینی یا رژیم  
خمینی بلکه علیه کل دستگاه و قدرت  
دولتی بورژوازی در ایران است . . . . .

جمهوری اسلامی باید ماقبل مسعود ،  
ارتش سپاه پاسداران ، کمیتهها ، شهرنایی  
هاند از مری و کلیه نیروهای سرکوبگر  
بورژوازی باید فوراً " ضحله اعلام  
شوند . مجلس ، درگاهها و پروکراسی  
دولتی مافوق مردم باید ضحل گردد . . . . .  
در یک کلام مفاد بخش حد اقل برنامه  
حزب کمونیست باید بعنوان فرمان قیام  
بعنوان رئوس قانون اساسی و قانون کار  
در ایران انقلابی اعلام گردد و با اجرا  
در آید . . . . . نه فقط عالینکجه بلکه  
تمام سران سیاستداران ، مبلغین ،  
فعالین ، عوامل و سرسیردگان جمهوری  
اسلامی . . . . . اعم از اینکه هنوز بر سر کار  
یا مستعفی باشند باید فوراً " برای  
محاكمه " علنی بعد از گاههای شورهای  
مردم سپرد شوند . . . . . باید حکومت  
شوراهای مردم مستقر شود . . . . . حکومت  
از آن شوراهاست و شوراهای ارکان اصلی  
جمهوری در مکراتیک - انقلابی ایران  
یعنی حاکمیت انقلابی کارگزاران و  
زحمتکشسان خواهد بود . چه کسی باید  
قیام کند ؟ . . . . . کارگران و زحمتکشسان  
انقلابی تحت رهبری پرولتاریای کمونیست



است به هیچ عنوان مسئله "قیام" را بازچه نمیدانند. از نظر آنها هم "قیام" وهم "ضدیت با قیام" يك مسئله "كاملا" جدی است همانگونه كه مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی بسیاری ایشان جدی بود است.

سازمان مجاهدین خلق و حزب دمكرات كردستان ایران بعنوان دو ركن اصلی شورا بجای آنكه در لابلاى كتابها بدنبال یافتن الكوهار چهارچوب سیاسى قرار دادى باشند و تئوری بیاخذ بصورت عملی دست بگیران مشکلات فراهم ساختن الزامات قیام مقصدی هستند كه بطور محتوم انتظار رژیم جمهوری اسلامی را میكشد. آنها با همه وجود خود در رستن واقعیات قرار دارند و دست اندركار انقلاب در عمل هستند تا در حرف؛ بهمین جهت است كه جامعه خیالی ترسیم نمیکنند، گزاره نمیگویند و رو یارا در جای واقعیات نمیگذارند.

آقای "حکمت" شورا و مجاهدین خلق را به بار حمله و ناسزا میگیرد كه بجای استقاره از عباراتی نظیر: "قیام تورهای" و "تشكل های تورهای" انقلابی كارگران

ستون فقرات يك قیام تورهای را تشكيل میدهند. . . . . شوراها و كمیته های انقلابی كارگران و زحمتكشان در شهر و ده، در كارخانه و محله ابزار تشكیل تورهای قیام کنندگان خواهند بود. در پیشاپیش این تشكیل های تورهای حزب كمونیست باید نیروی پیش برنده، قیام و ضامن تعرض بلاوقفه و تداوم تا به آخر آن باشد. . . . ."

در باره این سلسله جملات پر طعنه و شعارهای "انقلابی" چه میتوان گفت؟ راستی جز آنست كه نویسنده، آن در آسمانها سیر میكند و نمیشنود آنچه بر زمین خاکی فرود آید بلکه حتی حاضر نیست نیمنگاهی هم بر راهی كه باید او را بر این زمین خاکی فرود آورد بیانند از؟ با این ترتیب بر راستی چه کسی قیام را بازچه میداند؟

خیر جناب آقای "حکمت"! برخلاف عقیده سركار سازمان مجاهدین خلق ایران كه سابقه ای آنچنان خونین و بیگیر در مبارزه دارد و حزب دمكرات كردستان كه فداكاری و جدانبازی پیشمرگانش حسن ستایش دشمنان خلق كرد را برانگیخته



است به هیچ عنوان مسئله "قیام" را بازچه نمیدانند. از نظر آنها هم "قیام" وهم "ضدیت با قیام" یک مسئله کاملاً جدی است همانگونه که مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای ایشان جدی بود است.

سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان دو رکن اصلی شورا بجای آنکه در لابلای کتابها بدنبال یافتن الگوها و چهارچوبهای قرار دادی باشند و تئوری بیاخذ بصورت علمی دست بگیران مشکلات فراهم ساختن الزامات قیام مقصدی هستند که بطور محتوم انتظار رژیم جمهوری اسلامی را میکشد. آنها با همه وجود خود در رستن واقعیات قرار دارند و دست اندر کار انقلاب در عمل هستند نه در حرف؛ بهمین جهت است که جامعه خیالی ترسیم نمیکند، گزافه نمیگویند، رو بار را در جای واقعیات نمیگذارند.

آقای "حکمت" شورا و مجاهدین خلق را به بار حمله و ناسزا میگیرد که بجای استقاره از عباراتی نظیر: "قیام تودهای" و "تشکل های تودهای" انقلابی کارگران

ستون فقرات یک قیام تودهای را تشکیل میدهند. . . . شوراها و کمیته های انقلابی کارگران و زحمتکشانشان در شهر و ده، در کارخانه و محله ابزار تشکل تودهای قیام کنندگان خواهند بود. در پیشاپیش این تشکل های تودهای حزب کمونیست باید نیروی پیش برنده "قیام و ضامن تعرض بلاوقته و تداوم تا به آخر آن باشد. . . ."

در باره "این سلسله جملات پیرطوطراق و شعارهای "انقلابی" چه میتوان گفت؟ راستی جز آنست که نویسنده "آن در آسمانها سیر میکند و نه تنها نمیخواهد بر زمین خاکی فرود آید بلکه حتی حاضر نیست نیمنگاهی هم بر راهی که باید او را بر این زمین خاکی فرود آورد بیانند از؟ با این ترتیب بجز راستی چه کسی قیام را بازچه میداند؟

خیر جناب آقای "حکمت"! برخلاف عقیده سرکار سازمان مجاهدین خلق ایران که سابقه ای آنچنان خونین و بیگیر در مبارزه دارد و حزب دمکرات کردستان که فداکاری و جدان بازی پیشمرگانش جنسی ستایش دشمنان خلق کرد را برانگیخته





بقیه: لاف و کزاف رژیم و...

از قبیل حل اختلافات مخصوصی میان  
د و نفر، جمع آوری کمکهای ناچیز مالی،  
رخت شستن و آب تنی یا مسائلی مانند  
شرکت در عروسی و عزا، سرزدن به دستان و  
ویشاوندان و مسائل پیش پا افتاده  
د یگری از همین منوال باعث شوند دشمن  
خبردار گشته و در صد ایجاد خطرانی  
برای پیشمرگان برآید. زیرا حفظ و  
د فاع از سرمایه جنبش کردستان و انقلاب  
سراسری یعنی نیروهای پیشمرگ یکی از  
مهمترین ضرورتهای این مرحله از مبارزه  
خلقهای ما است.

بدیهی است وقتی سخن از حفاظت  
و نگهداری نیروها میان می آوری  
مقصودمان این نیست که جلوی لاس خود  
را جمع کرد همانند پارهای از گروهها به  
بهانه حفظ نیروهای خود از درگیری و  
مقاومت پرهیز نمائیم و نیروی خودمان  
را بران مرحله د یگری نگه داریم!  
بهیچوجه. مرحله فعلی دقیقاً مرحله  
ضربزدن به دشمن و مقاومت مسلحانه  
بگونه ای سرسختانه است. امروز از هر  
زمان د یگری شرایط برای جنبش مسلحانه

مناسب تر است چرا که هیچ راه شریکشی  
د یگری برای مبارزه وجود ندارد؛ دشمن  
بسیار تمام قدرت دست اندر کار سرکوب  
خلقهای ایران و انهدام سازمانهای مبارز  
و انقلابی است. آنها نیز باید قاطعانه  
بمقاومت برخیزند و در مقابل دشمن  
سرتسلیم فرود نیاورند. برای هیچیک از  
سازمانهای سیاسی هیچ بهانههای  
وجود ندارد که در زمان مبارزه  
مسلحانه را نمایند و با تکیه بر کلمات و  
جملات پُر زرق و برق وقت گذرانی کنند  
و بعداً نیز خود را بعنوان یکی از  
نیروهای اساسی انقلاب آینده ایران  
قلمداد نمایند. امروز هنگام آزمایش  
است و جایسی برای سخن پردازی و حرف آسرو  
باقی نمانده است. آنها یسی که میخواهند  
به آهستگی پای خود را از صحرای بیابان  
بکشند و در حاشیه بنشینند و نسبت به  
نیروهای فعال در صحنه مبارزه به ایراد گیر  
و گلایه گزاری کسور گانه بپردازند، آنها یسی که  
در صدد بجای حمایت از جنبش انقلاب  
کردستان و بجای تقویت سازمانهای د رگی  
د مبارزه علیه دشمن در کردستان، تخف  
شکوت و تردید بی باوری و تزلزل بپاشند

بقیه: لا ف و کزانی رژیم و...

از قبیل حل اختلافات خصوصی میان  
دو نفر، جمع آوری کمکهای ناچیز مالی،  
رخت شستن و آب تپش یا مسائلی مانند  
شرکت در عروسی و عزا، سرزدن به دستان و  
خوشاوندان و مسائل پیش پا افتاده  
در یگری از همین منوال باعث شوند دشمن  
خبردار گشته و در صد ایجاد خطرانی  
برای پیشمرگان برآید. زیرا حفظ و  
دفاع از سرمایه، جنبش کردن ستان و انقلاب  
سراسری یعنی نیروهای پیشمرگ یکی از  
مهمترین ضرورتهای این مرحله از مبارزه  
خلقهای ما است.

بدیهی است وقتی سخن از حفاظت  
و نگهداری نیروها بمان میآوریم  
مقصودمان این نیست که جلوی لاس خود  
را جمع کرد بمانند پارهای از گروهها به  
بهانه حفظ نیروهای خود از درگیری و  
مقاومت پرهیز نمائیم و نیروی خودمان  
را بران مرحله درگیری نگه داریم!  
بهبیچوجه. مرحله فعلی دقیقاً مرحله  
ضربزدن به دشمن و مقاومت مسلحانه  
بگونهای سرسختانه است. امروز از هر  
زمان درگیری شرایط برای جنبش مسلحانه

مناسب تر است چرا که هیچ راه شریکتر  
درگیری برای مبارزه وجود ندارد؛ دشمن  
بسیار تمام قدرت دست اندر کار سرکوب  
خلقهای ایران و انهدام سازمانهای مبارز  
و انقلابی است. آنها نیز باید قاطعانه  
به مقاومت برخیزند و در مقابل دشمن  
سرتسلیم فرود نیاورند. برای هیچیک از  
سازمانهای سیاسی هیچ بهانه  
وجود ندارد که درین امان مبارز  
مسلحانه را نمایند و بانگیه بر کلمات  
جمعات پُر زرق و برق وقت گذرانند که  
بعداً نیز خود را بعنوان یکی  
نیروهای اساسی انقلاب آینده ای را  
قلمداد نماید. امروز هنگام آزمایش  
است و جایسی برای سخن پردازی و حراست  
باقی نمانده است. آنها یسی که میخواهند  
به آهستگی پای خود را از معرکه بیرون  
بکشند و در حاشیه بنشینند و نسبت به  
نیروهای فعال در صحنه مبارزه به ایراد  
و گلایه گزاری کسوف گانه بپردازند، آنها  
در صدند بجای حمایت از جنبش انقلاب  
کردستان و بجای تقویت سازمانهای در  
مبارزه علیه دشمن در کردستان، نه  
شاید تدریجی باوری و تزلزل نپاشند



در لباس عالمان بی عمل بهاند رزگوئی  
 بنشینند و با عینک سیاه به فعالیت  
 نیروهای انقلابی در میدان عمل بنگرند و  
 بسا آخره کسانی که قادر بر انجام هیچ  
 کاری نیستند و هوای اروپا سخاست  
 مجد و نشان کرد هاست! و در نشان بر سرای  
 مباحثات سیاسی طولانی بمنظور  
 پیداکردن مواضع و تاکتیکهای مرقیانه!  
 لك زده است، اینها هیچکدام در سوز  
 مردم نیستند و علاقهای به آینه و خلقهای  
 ایران ندارند، آنها صرفاً خواهان  
 مطرح کردن خود هستند و میخواهند  
 پاره‌ای عبارات و اصطلاحات سنتسی و  
 قالبی را بر صفحات کاغذ بیاورند و  
 آگاهیهای با اصطلاح مارکسیستی خود را  
 بر رخ مردم بکشند.

نمای سازمانهای سیاسی و نیروهای  
مبارز و انقلابی باید در این مقطع حماس  
از تاریخ و طمان عملا وارد میدان  
مبارزه شوند؛ در اینباره ملاک ضرورت  
برپیکر رژیم ضد خلقی و لایق فقیهی است  
نه شعارهای مطنطن و پرزرق و سرفی؛  
معیار درجه شرکت فعالانه در مبارزه  
عظی است نه سه بهبهانه انتقاد گرفتن

مذفوظ داشتن نیرو مفهومی جدا از  
 بی عملی دارد، محفوظ داشتن نیرو  
 بمعنای جلوگیری از هدر رفتن آن است  
 به این معنی که در مواردی که نسبت به  
 پیروزی خود یقین نداریم باید از جنگ  
 و درگیری بپرهیزیم و بپهوه شهید سازی  
 نکنیم؛ این نیروها را باید برای درگیریهای  
 حساب شده ای نگاهداریم که دست کم  
 هشتم درصد امید پیروزی در آن وجود  
 دارد. بنا بر این درخواست است  
پیشمرگان کردستان بطور اعم و از پیشمرگان  
حزب مکررات کردستان ایران بطور اخص  
اینست که از این به بعد اجازه ندهند  
زمان و مکان درگیریها از طرف دشمن  
تعیین گردد و تنها هنگامی با دشمن درگیر  
شوند که نسبت به پیروزی خود اطمینان  
قطعی داشته باشند.

در این مرحله پیشمرگان باید کاملاً  
 رعایت نظم و انضباط را بنمایند و در این  
 مورد کوچکترین تعللی به خرج ندهند؛  
 پیشمرگان باید رهنمودهایی را که  
 از جانب ارگانهای بالاتر و بوسیله  
 تصمیم گیرندگان حزب در اختیارشان  
 قرار گرفته مراعات نمایند، بکسی از

مهمترین وظایف رهنمود دهندگان در این مرحله اینستکه بساید با دقت تمام رهنمود بدهند و اجرای آنها نیز نظارت دقیق بنمایند .

در این مرحله، پیشمرگان بهمکاری مسردم و به اطلاعات مربوط بهوضع دشمن بیش از هر زمان دیگری احتیاج دارند. برای این منظور باید از یایگساره مردم می جنبش حد اکثر استفاد مراهکنند و نظارتو دهای مردم را متوجهوظایف خطیرشان در ایستادن رابطه بنمایند؛ باید آنها را نسبت به آئنده جنبش امیدوار سازند، به آنها تفهیم بنمایند که در برابر جنبش چه مسئولیتی دارند و چه وظایفای متوجه آنها است .

وظیفه تود دهای سردم کردستان در این مرحله از مبارزه خلعمان اینستکه نیروهای پیشمرگ را از مقدار، وضع ونقشه های دشمن و از زمان و مکان یورشهای آن باخبر سازند؛ برای پیشمرگان پشت جبهه های امن و مطمئن باشند؛ باید بهنگام درگیریها به پیشمرگان آب، خوراکمی و سایر نیازمند یها را برسانند؛ باید کاری بسکنند که در مواقع حماس پیشمرگان مجبور نباشند برای تهیه غذا و مایحتاج

دیگر خود را با بهر دستاها بروند .

تفهیم چنین وظایفی به توده های مردم، وظیفه کار رهای حزب و اعضا حوزه های حزب در روستاها بویژه آن دستها از اعضا حزب است که از طسرف دشمن شناسایی نشد هاند و میتواندند به آزادی رفت و آمد نمایند .

لازم است که اعضا و هواداران حزب با دقت تمام اطلاعات مربوط به تمسداد نیروهای دشمن و امکانات آنها را جمع آوری نموده آنها را اختیار پیشمرگ قرار دهند عوامل نفوذی دشمن را شناسایی، آنها را به پیشمرگان معرفی کنند و برای نابود ساخت این قبیل خائنین و وطن فروستان پیشمرگان همکاری نمایند .

تود دهای هوادار و اعضا حزب در داخل شهرها میتوانند از تاکتیکهای دیگر مبارزه نیز بهره برگیرند؛ تبلیغات بنف جنبش، تضعیف روحیه نیروهای رژیم کار سیاسی کردن با این قبیل افراط پشیمان نمودن آنها از جنگ علیه مسرد کردستان، فرستادن لوازم ضروری بسرا پیشمرگان، شرکت در رتظاها و مراسم اعتصابات عمومی و جشنها و مراسم حزبی



سنگ زیربنای اجرائی این وظایفی  
 و ایجاد چنین نظم و انضباطی  
 بوجود آوردن و سازماندهی یک تشکیلات  
 کاملاً ستری و ایجاد هماهنگی میان  
 فعالیتهای نظامی به شیوه پارتیزانسی و  
 کار تشکیلاتی بصورت مخفیانه است .  
 کار رهبا و پیشمرگان حزب باید به ایس  
 مسئله بسیار اهمیت بدهند و تشها و وظیفه  
 خود را در ضرر مزدن بنیروهای دشمن  
 نبینند ، چرا که برای وارد آوردن ضرر  
 هر چه کارگزارتر بر بیکیروهای رژیم  
 لازم است در مورد وضع دشمن و شماره  
 نیروهای آن آگاهی کاملی داشته باشند  
 و برای دستیابی بر چنین اطلاعاتی  
 لازم است در قلب دشمن تشکیلات مخفی  
 بوجود بیاید که بتواند همچنین وظیفه  
 سنگینی را انجام دهد . در شرایط  
 کنونی ، هماهنگ نمودن تمامی ایس  
 جنبهها است که باعث بوجود آمدن  
 سدی آهنین در مقابل دشمن و بزانش  
 در آوردن آن میشود .

غیره هر یک بنوبه خور شیوه ای از مبارزه  
 به حساب میآید و میتواند در جهت تقویت  
 جنبش مورد توجه قرار گیرد .  
 برای آنکه توده های مردم بطور کلی  
 واعضا و هواداران حزب بطور اخص ایس  
 وظایف را به انجام برسانند ، هم باید  
 بطور کافی راهنمایی شوند و هم  
 سازماندهی گردند . البته کارهایی که  
 تا بحال در این باره انجام شده بهیچوجه  
 کم نبود ، است و کارهایی که طی پنج سال  
 گذشته از جانب توده ها ، اعضا و هواداران  
 حزب در این باره صورت گرفته است حقیقتاً  
 جای سرفرازی و سر بلند ی است . لیکن  
 در شرایط کنونی و هنگام با تحولات  
 از های که در جنبش صورت گرفته است لازم  
 است شیوه همکاری و مبارزه توده ها نیز  
 در گرون شد و متناسب با شرایط جدید  
 سازماندهی گردد .

باید تا آنیک جنگ پارتیزانسی و  
 ضرورت های آن بصورت آمیخته شود تا هم  
 بتوانند عقب نشینی پیشمرگان و سلطه  
 دشمن را تحمل کنند و هم نیازمند به ای  
 پیشمرگان در این مرحله فراهم سازند و  
 ...

در شماره های آتی افق روشن  
 جنبش و موضع گیری های دستان و دشمنان  
 ... خواهیم کرد . \*



پایه: پیام حزب به...

با کمال تأسف تا به امروز هیچ نقطه  
امیدی برای پایان بخشیدن به این جنگ  
در افق پدیدار نگشته است. علت  
اساسی چنین وضعی اینست که رژیم جمهوری  
اسلامی ایران تا بحال نیز به هیچ  
پیشنهاد صلحی تمایلی از خود نشان  
نمده و فراخوان گمبیه سازمانها و مجامع  
بین المللی را برای استقرار آتش بس سرد  
کرد است.  
دوستان عزیز!

بدون تردید همه شعاع مطالب زیادی  
در مورد جنگ ایران و عراق شنیده و  
خوانده اید. لیکن از ما بپندیرید که ما در  
ایران بهتر و بیشتر ابعاد خسارات  
و ضایعات این جنگ و خطرات ناشی  
از آنرا حس میکنیم. جنگ ایران و عراق  
برای ما مردم ایران بمعنای دادن صد ها  
هزار گشته صد ها هزار زخمی، ده ها هزار  
معلول و چندین میلیون آواره بود ما است.  
این جنگ برای ما بمعنای ویرانی ده ها  
شهر بزرگ و کوچک و صد ها روستا، بمعنای  
بیکاری و گرسنگی و فقر ونداری میلیونها نفر و

نیز بمعنای تلف شدن صد ها میلیار  
دلار ثروت و سامان مردم ایران بسود  
است؛ ثروتهائی که اگر برای بر فاه و سعادت  
نود و هفتاد میلیون ایرانی میهنمندان  
خرج میشد میتوانست انبوهی از محنتگساران  
ایران را از فقر و گرسنگی نجات دهد و یک  
زندگی در خور مقام انسان قرن بیستم را  
برای آنان فراهم سازد.

از اینرو ما و تمامی مردم ایران مخالف  
شروع و ادامه این جنگ بودیم. در واقع  
این مردم ایران نیستند که علیه مردم عراق  
میجنگند بلکه این رژیم و ایسگرای خمینیست  
است که در ابتدا علیه خلقهای ایران  
سپس علیه کشورهای همجوار و آنگاه بر ضد  
تمامی بشریت اعلان جنگ داده است و  
اینراه میخواهد کالای بنجل انقلاب  
با اصطلاح اسلامی خود را بخارج صادر  
کند!  
رفقا و دوستان مبارز!

در این گفتارانش عنوان کردید که جنگ  
میان ایران و عراق در روتی فراموشی افتاد  
و از آن بعنوان جنگ فراموش شده یاد شد.  
لیکن اجازه بدید جنگ در یک  
را بخاطر تان بیاورم که حقیقتاً فراموش  
شده است: اگر جنگ ایران و عراق بی پای



تنها گناه مردم کردستان اینست که اینست که از شعار اساسی حزب د مکررات کردستان ایران: "د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" پشتیبانی نموده میخواستند در چهارچوب وطن بزرگشان ایران حقوق ملی خود را بصورت خود مختاری بدست آورند .  
رفقا!!

د برنامه حزب د مکررات کردستان ایران آمد ، است که این حزب طرفدار صلح و دوستی میان ملتها است و هرگونه توسل بهزور و اسلحه را برای حل اختلافات میان د ولتها محکوم میکند . د رمورد جنگ ایران و عراق نیز از همان آغاز ، سیاست حزب ما کاملاً روشن بود . سیاست از نخستین روزهای شروع جنگ حزب ما این جنگ را محکوم کرده و اکنون نیز سیاستهای جنگ طلبانه رژیم خمینی و ادامه این جنگ را محکوم میکند . همپایان دلیل است که در چهارچوب شورای ملی مقاومت نیز از قطع عملیات جنگی و آغاز گفتگوهای صلح با دولت عراق پشتیبانی کردیم .

همه ما همین سال عمر خود نذر یک شده است ، نیک بیش از پنج سال است که یک جنگ د خلقی و ضد انسانی بر مردم کردستان بران تحمیل شده است . بیش از پنج سال است که خلق ۱ میلیون کرد د رایران امکانات بسیار محدود د فاعی د برابر رشر د شعبان آزادی ایستادگی میکنند و بیانی میدهند . حزب د مکررات کردستان ایران با تقریب چهل سال سابقه د ارزات سیاسی و با برخورداری از پشتیبانی اکثریت نودهای خلق کرد ، عبری این مبارزه سخت و خونین را عهد د ارد .

د عرض پنج سال گذشته ، محاصره د دید اقتصادی مناطق آزاد شده د کردستان ، گشتار د ستهجمی زنان ، د رکان ، سالخوردهگان و از کار افتادگان د ، بمباران و بهتوب بستن شهرها و روستاهای کردستان ، با آتش کشیدن د رار و روستائیان تنگ دست کرد ، اهدامهای سروهی د ختران و مهران جوان و انقلابی د و د ریک کلام کوشش د رجعت ناپودی د د مسلمان و صلح دوست کردستان د چهارهورد رژیم خمینی برای خلسق



اعضای محترم شرکت کنند مد رکفرانس!  
 با خوشوقتی تمام باید گفت که پنج  
 سال بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری  
 اسلامی، اکنون ماهیت این رژیم برای  
 تمامی مردم دنیا تا حدی روشن  
 شده است و امروز در سرتاسر جهان نیک  
 میدانند جمهوری اسلامی چه معنائی  
 دارد. هم بد آن رواست که رژیم خمینی  
 در میان جرماع بین المللی بگونه‌های  
 روز افزون ارزش و اعتبار خود را از دست  
 میدهد. لیکن اگر اجازه بفرمائید میخواهم  
 به عرضتان برسانم که با عنوان شهروند انسی  
 ایرانی رژیم خمینی را بهتر میشناسیم. این  
 رژیم که راه چاره یاب و عبارت از یک  
 طریقه لاپوشانی کردن کلیه مشکلات  
 اقتصاد و اجتماعی کشور را در آمدن  
 به جنگ داخلی و جنگ برون مرزی جستجو  
 میکند، همانگونه که تجربه نشان داده  
 است مشکل است حاضر به قبول هیچ  
 نوع پیشنهاد صلح جویانه گردد. ایمن  
 رژیم جنگ را نعمتی میدانند و تا  
 آنجا که بتواند اجازه خواهد داد این  
 موهبت الهی را از وی بگیرند!  
 اعتقاد ما بر اینست که رژیم خمینی  
 تنها در دو حالت حاضر خواهد شد از

جنگ علیه مردم کردستان و جنگ علیه عراق  
 دست بردارد:  
 نخست آنکه - این رژیم سرنگون  
 شود و بجای آن یک رژیم مین پرست  
 مستقر گردد. ماهم خود در داخل  
 ایران اینرا انتخاب کرده ایم. ما  
 کلیه نیروهای مین پرست ایران برای  
 سرنگونی رژیم خمینی مبارزه سفست و  
 دشواری را آغاز کرده ایم تا آنکه یکبار  
 برای همیشه از جنگ در کردستان، از جنگ  
 در منطقه خلیج و همسراز همه از سر  
 خمینی راحت گردیم.

دوم آنکه - رژیم خمینی در موقعیتی  
 قرار گیرد که دیگر قادر به ادامه جنگ  
 نباشد. ما در این زمینه نیز کارهای  
 زیادی کرده ایم و توانستیم توانائی  
 خمینی و در آوردن او را در زمینه بسیج  
 نیروی انسانی برای روانه کردن نشان بسوی  
 میدانهای عین بصورت امواج انسانی  
 بسیار کاهش دهیم. لیکن در این باره شما  
 تمامی بشریت مترقی باید بها کمک نمائید.  
 وظیفه انسانی افکار عمومی جهانی است  
 که هر ولتهای متبوع خود فشار آورند و  
 اجازه ندهند که ولتهایشان بمنظور



بقیه: رژیم و جنگ .....

در مناطقی است که از هر جهت برای این شکل از مبارزه شرایط مساعدی دارند. این امر به تجزیه ویراکنندگی نیروهای رژیم خمینی منجر خواهد شد و رژیم قسار خواهد بود مانند امروز ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از لشکریان خود را رکردستان مستقر سازد و این خود به بهر شمارگان امکان خواهد داد ضربات کفندتری بریکر رژیم آخوندی وارد آورند. کردستان در هر صورت به مقاومت

خونین و حماسه آفرین خود ادامه خواهد داد. اکنون کاملاً بثبوت رسیده که دیگر هیچ نیروئی قادر به درهم شکستن مقاومت قهرمانانه مردم کردستان نیست. شکست نهجمات گسترده رژیم رکردستان در بهار و تابستان امسال نشانگر این واقعیت است. کردستان همچنان سنگر آزادی ایران باقی خواهد ماند، بدر مقاومت مسلحانه را در سراسر ایران خواهد افشاند و این رسالت تاریخی را تا سرنگونی رژیم خمینی ادامه خواهد داد.

بقیه: پیام به .....

دستیابی به دلاره های نفتی ایران اسلحه و مهمات به رژیم خمینی بفروشد. تنها در چنین حالتی است که میتوان امیدوار بود رژیم خمینی بهندای منطق و عقل سلیم گوش فرادهد و از سیاست جنگ افروزانه و توطئه گرانه خود دست بردارد. در پایان از کمیته آماده کردن کفرانس که از حزب ما برای شرکت در این کفرانس جهانی دعوت بعمل آورده است تشکر میکنم. در روز بر شما شرکت کنندگان سر کفرانس! و پیروزی از آن کفرانس! ❖

بقیه: واقعیت و .....

تکشان و بیرولتاریای قیام کرده تنها روش گرم و بر مهر حزب کمونیست ایشان خواهند بود و رهبری خود را در سنی پیشان خواهند کرد و سرد یک مایندگان واقعی خود را بی کلام خواهند داشت؟ واقعا که خوش خیالی هم است بزرگی است!



بقیه: اطلاعیه، و فترسیاسی بمناسبت . . .  
اطمینان را ازیم که فرزندان حق شناس  
کردستان همچون گذشته مردانه بپا  
خواهند ایستاد، جای شهیدان را پر  
خواهند کرد و نخواهند گذاشت که سنگر  
آنان خالی بماند.

اعضای حزب ما همه مردم کردستان  
بخوبی اینرا درک کرده اند که بهترین  
طریق این نهادن به شهیدای عزیزمان  
ارامه، راه آنان، راه مبارزه در راه آزادی و  
خود مختاری است. به شهادت رسیدن  
چرچه و رفقاییش ما را موظف میسازد که  
در ادامه اینراه مصمم تر و باید اتر باشیم.  
و فترسیاسی با تالم فراوان شهادت  
رفیق عزیزمان "محمد امین بهرام میرزا"  
معروف به "چرچه" فرمانده نیروی بیابان  
و وازد شهید گرانقدر، و وازد پیشمرگ  
سر فرازد یگراین نیرو را به خانوادۀ آنها،  
به رفقا و همسنگران شان و به هم مردم  
کردستان و تمامی خلقهای ایران تسلیمت  
میگوید و اطمینان میدهد که شهید شدن  
این عزیزان مبارزه در راه سرنگونی رژیم  
جنایتکار خمینی را بیش از پیش شدید تر  
خواهد کرد.

حزب ما افتخار دارد که در صفوف

خود فرزندانانی چون "چرچه" و وازده  
همسنگر شهید را بگوش را پرورد ما است و  
به همین جهت اطمینان دارد که مبارزه  
خونین مردم کردستان علیه رژیم ضد انسانی  
خمینی بالاخره به پیروزی خواهد رسید و  
آرمان شهید ایمان که در مکرسی برای  
ایران و خود مختاری برای کردستان  
است تحقق خواهد یافت.

✽ درود بروان پاک شهیدای  
پرافتخار حزب مکررات: "چرچه" و  
رفقاییش، مبارزان راه آزادی و سعادت  
خلق ما!

✽ سلام بر شهیدان راه رها نشی  
کردستان و سراسر ایران!

✽ سرنگون باد رژیم جنایتکار خمینی،  
دشمن قسم خورده، خلقهای ایران!

✽ پیروزان مبارزه، خلقهای ایران  
برای استقرار یک رژیم مکرراتیک!

د فترسیاسی

حزب مکررات کردستان ایران

هفدهم نیرماه ۱۳۶۳



یه: جامعه نمونه . . .

سرمد از آن جمهوری اسلامی که  
 در آن نمایندگانی مستضعفین جهان معرفی  
 کنند، فکر استیلا بر جهان و تصرف  
 بنمای ملل دیگر را مخفی نمیدارند زیرا  
 از منطبق بر اندیشه جهانی حکومت امام  
 دارند و اعتقاد دارند ولی فقیه نمیتواند  
 پیش راننده بر ملتی ارزانی دارد. زیرا اگر  
 نایب امام است و بنیابت از وی حکم  
 راند محسوس همانند ملل دیگر از  
 قض وجود وی نقض غرض خواهد بود.  
 مسئله ظهور امام در ریهنه جهانی  
 است و لیلی ندارد نایب وی بر ملتهای  
 دیگر نیز ولایت نداشته باشد بنا بر این  
 تضای حکومت نایب امام نیز سلطنت  
 کل جهان است که ببرکت وجودش نور  
 ظلمت و حق بر اطلال پیروز شود و چنان  
 بر ایطی فراهم میاید که گرگ و میش بر لب  
 ک بر که آب بنوشند و سایه امنیت بر  
 همه است گسترده شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی که  
 ولایت ولی فقیه را موجب سعادت بشر  
 معرفی میکند از ولی فقیه مشخصاتی زکو

بکسی الحلاق میشود که به لغت عرب و  
 علم صرف کلمه و علم نحو و اصول و علم  
 کلام آشنائی داشته باشد و تفسیر آیات و  
 احادیث را بداند. چنین کسی طبق نظر  
 نویسندگان قانون آگاه به تمام مسائل  
 اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جامع جمیع  
 علوم، فنی در هر و حید عصر شناخته  
 میشوند و صلاحیت دارد بوسیله علما  
 که برای اجرای کارها مأمورند حکومت  
 جهانی را استقرار بخشد (مجازی الامور  
 بید العلماء بالاعمال) علی حلاله و حرامه  
 یعنی اجرای کارها در دست علماست  
 که به حلال و حرام آگاهی دارند. از نظر  
 اینان علما کسانی هستند که از لحاظ  
 علمی یعنی از نظر دانستن لغت عرب  
 و صرف نحو هم سطح مجتهدین نیستند و  
 تنها به حلال و حرام امور آگاهند و  
 میتوانند عوام "کالا نعم را بهیمن  
 وجود و هدایت امام و نایب وی به سر  
 منزل مقصود رهنما شوند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی  
 مکلف است که شرایط لازم را برای  
 پرورش انسان با ارزشهای  
 "والا وجهان شمول اسلامی" فراهم کند.

بقیه: جامعه نمونه . . .

بنظر میرسد از آنجائیکه برای ولی فقیه  
جامع شرایط و نیز برای علمای مجری امور  
دانستن صرف و نحو زبان عرب و علم کلام  
و حدیث کافی است بنابراین وظیفه امت  
در ساختن جامعه نمونه (اسوه) زیاده  
در شوار نخواهد بود زیرا به هیچیک از  
فضایل و هنرها و علوم و فنون در چنین  
جامعه‌ای نیاز نیست. نه طبقاتی وجود  
دارد که مابین آنها تضادی بروز کند و نه  
اقتضای گروه‌هایی و نه تنوع اندیشه  
باوری. زیرا ولی فقیه بجای همه فکر میکند  
و شفیع است. بنظر مجتهدین و علمای مجری  
امور قانون اساسی جمهوری اسلامی هرگونه  
استبداد فکری و اجتماعی و انحصار  
اقتصادی رانفی میکند اما کارنامه چند سال  
گذشته حکایتی است در ناک از استبداد  
فکری و اجتماعی موجود در کشور ما که خود  
نمایانگر جامعه نمونه (اسوه) ای است که  
اینان خواب گسترش را برپهنه جهان  
می بینند.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری  
اسلامی ایران از رد انحصارات بحث  
شد و آزادی تجارت اساسی است

اقتصادی اعلام گشته است  
غافل از اینکه لازمه تجارت  
آزاد پیدایش انحصار است  
و از آنجائیکه تجارت آزاد  
برای شکوفائی و گسترش  
خود به محیطی آزاد  
نیاز دارد معلوم نیست  
چگونه با تحمیل محدودیت  
میتوانند مانع از بروز  
انحصارات گردند. مگر  
اینکه تصور شود با ضوابط  
جوامع عقب مانده پیش از  
دوره فتور الیوم اقتصاد و  
سرمایه‌داری را تحت کنترل  
در آورند که البته در پیبردگی  
چنین خواسته‌هایی هیچ جای  
شک و گمان نیست. ■

.....  
.....



تضعیف روز افزون دولت و فروردین آن بر  
 گرد آب هرج و مرج و پریشانی نداشتند. این  
 فشارها که بنام هدفهای انسانی و انقلابی  
 صورت میگیرد بدون تردید مایه های  
 گرانبهائی است برای امپریالیسم و عمال  
 داخلی آن. آقای دبیرککل  
 حزب دمکرات کردستان باید متوجه  
 این واقعیت باشد که برادران و خواهران  
 کز ما بخاطر مذهب و لهجه نژاد خود  
 مورد ظلم و ستم قرار نمیگرفتند بلکه  
 محرومیت و فقر آنها از سوئی مولود نظامی  
 بود که نوکرو وابسته و چشم و گوش بسته  
 امپریالیسم بود و از سوی دیگر نظام فاسد  
 سرمایه داری حاکم برجامعه و کشور نتیجه  
 اعمالش چیزی جز صد و رند بختی و فقر  
 بسیاری و بیسوادی برای همه کشور و همه  
 مردم در سراسر ایران نبود و هدف اساسی  
 انقلاب ایران اکنون نابود کردن این  
 روستون و پایه بد بختی و اسارت و فقر  
 مردم ایران است یعنی نابودی قطعی  
 نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی  
 استعمارگران و نابودی نظام فاسد  
 سرمایه داری حاکم بر کشور و همه ضوابط  
 اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن

تعیین: راه، راه، راه د مکرسی ...  
 است ... و فشار بر دولت  
 اب در زیر این شعار بنظر ما هدفی جز  
 فشار ماز ضعف کنونی دولت و تقسیم  
 های فاعی ندارد. مادر حاکمات  
 ستان و ترکمن صحرا بوضوح حضور افراد  
 مهابتی را دیدیم و میبینیم که نه کرد  
 ند و نه ترکمن بلکه از تهران و سایر  
 های ایران رفتند تا با تحریک عملا  
 مناطق حساس جغرافیایی و  
 سی کشور ما را بنام آرمانهای خلقیانش  
 و دولت انقلاب را از هر سو در فشار  
 های داخلی و گشت و گشتارهای جمعی  
 هند و این نیست جز توطئه  
 معمارگران و عمال داخلی آنها و همچنین  
 های که جز از طریق گل آلود کردن  
 صفای قار و برگرفتن ماهی نیستند ...  
 گامی که استعمار و ریشه های صیقل  
 لی آن بطور اطع سرکوب نشد فاسد  
 نگامیکه دولت انقلاب بر مشکلات  
 سی کنونی و فشارهای اقتصادی مد اوم  
 ماجرایی برنامه های انقلابی فائق نیامد  
 ت طرح اینگونه شعارها که فاق



(نقل از سرمقاله تحت عنوان: مسائل کنونی ایران از حقیقت تا واقعیت به قلم حاج سید جواد ی، جنبش شمساره ۳۲ مورخ ۱۲ / فروردین / ۱۳۵۸) . . . . .

حضرت در ابتدای مقاله ماهرانه و زیرکانه مطلب را چنان عنوان میکند که جوهر اصلی جنبش ملی انقلابی مردم کردستان بعنوان جنبش انقلابی و برحق یک ملت در رنجیر و تحت ستم نفی گردد و مسئله کُرد را در حد مسئله مردم شهرار و قم و ساری و رفسنجان عنوان میکند و از این طریق وجه و حیثیت اختصاصی آنرا نفی میکند . . . . . مسئله اینک که تمام مردم نواحی مختلف ایران اهم از آذربایجان و قزوین و شیرازی و رفسنجانی باید از حقوق دگرگانه و انسانی بیک شایسته برخوردار باشند مسئله دیگری است مسئله خود مختاری ملیتهای ساکن ایران در محدوده جغرافیایی ایران و با حفظ تمامیت ارضی استقلال ایران مسئله دیگری صحیح است که خود مختاری با زبان و نژاد و جسم واقعی د مکرر بسی در چهارچوب محدود و دیک سرزمین ملی هر یک از ملیتهاست ولی رابطه د مکرر

خود مختاری نوعی رابطه عیوم و خصوص است بنابین معنی که در استقرار خود مختاری خود بخود مفهومی است مگر اسی استقرار و عینیت پیدا میکند ولی استقرار مکرر اسی به گونه ای که همیشه مراد میکنند خود مختاری را مستقر نمیکند . برای استقرار خود مختاری باید الزاماً اختصاصات نژادی و فرهنگی و تاریخی هر ملت نیز مراعات و توطیور خلاصه هویت خاص ملی آن بحساب آمده و محترم شمرده شود و با موازین خاص این شناسائی و اختصاص تفسیر و تثبیت گردد .

حضرت بلافاصله پس از این مفاصله ماهرانه گریز به صحرای کربلا میزند و مسئله تجزیه ایران را بمیان میکشد و از عوامل سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی (خدا انقلاب) که گویا سراسر زندگی مردم ایران را از داخل و خارج در بر گرفته است یاد کوتاهی ۲۸ مردار را تداعی میکند . آنگاه خیل و صریح شعارهای د بیکل حزب د مکررات کردستان را محکوم میکند و میگوید که این شعارها غیر صادقانه است و مصلحت منطبق با واقعیت های کنونی انقلاب



حضرت نیز چون بسیاری دیگر شونیزم افراطی ملت پرتر را مراد دارند منتهی شرم گینانه آنرا در قالب الفاظ و عبارات بظاهر آراسته میپوشانند و توجهند دارند که این شونیزم افراطی ملت پرتر دقیقاً در زمان رضاشاه که آنهمه ایشان بدان بد و بیراه نثار میکنند پا گرفت و عرضه گردید. ایشان میگویند که "فشار بر دولت انقلاب در زیر این شعار بنظر ما هد فی جزا ستفاده از ضعف گونی دولت و فقدان اهرمهای دفاعی دولت ندارد". مفهوم واقعی این جملات چیست؟ بهتر است تا حدودی آنرا بشکافیم:

دولت انقلاب یعنی دولت مهندس مهدی بازرگان مشروعیتش را از کجا تحصیل کرده است و قدرت وضعف آن در کجا است؟

شاید تاکنون کسی این مطلب را بدرستی طرح و عنوان نکرده است. اگر شما همانطور که بکرات از نوشتهها پتان شاهد مثال آوردید قبول دارید که تحسول و در گرونی ای جدی صورت گرفته یعنی رژیم که قبلاً استقرار یافته بر افکند شده است، صاحب قدرت

آن نیست یعنی غیر انقلابی است. اما لایحی که برای اثبات این ادعا میآورند بسیار جالب است: ایشان از شمار مردم مختاری برای کردستان و مکراسی ای ایران خود بخود مفهوم قاجلیه قتن کردستان از ایران را استنباط نگذرد! من نمیدانم اساساً مرادشان ایران چیست؟ اگر ولتی است مستقل محدود و جغرافیائی خاص چرا اگر ریختی از آن که از ابتدا تاریخ مسکنی از اقوام کهن تشکیل دهنده فرهنگ تاریخ و مدنیت بوده خود مختاری مستقر بود باید بوی جدائی از آن استشمام کرد؟ اگر مرادشان مفهوم ملت (Nation) در قاموس سیاسی مزار بایورژوازی است چه اشکال دارد که در محدوده جغرافیائی مرزهای دولت واحد و مستقل چندین ملت باکن باشند و بپیوند های فرهنگی و تصاری سیاسی و تاریخی باهم متحد گردند؟ مگر نمونه آن در دنیا کم است؟ ما اگر حسن نیت داشته باشیم میتوانیم این طریق آن عوامل جغرافیائی و فرهنگی را در جهت انقلاب تغییر



واقعی کیست؟ آیا غیر از مردم ساکن  
 سراسر ایران مرجع و مقام دیگری است؟  
 اگر این مقدمه را قبول دارید آیا مردم  
 سراسر کردستان بعنوان جزئی از ساکنین  
 ایران بخشی از این قدرت را واجبه  
 نیستند؟ با کدام منطق و به چه حقی  
 شما کهدرتهران نشستهاید یا خمینی که  
 از نجف و پاریس در جمعیت "شخصیت" های  
 ثلاثه (بزدی و قطب زاده و بنی صدر)  
 به تهران آمده است حق دارد برای مردم  
 کردستان تعیین تکلیف کند؟ آخر مبنای  
 مشروعیت شما کهدرتهران نشستهاید  
 چیست و چرا میلیونها نفر مردم کردستان  
 حقی ندارند؟ اگر مبنای مشروعیت را  
 تظاهرات میدانید قبل از اینکه روحانیت  
 مبارز به مدستی مهدی بازرگان  
 تظاهرات ۱۶ شهریور تهران را راه  
 بیان دارند مردم کردستان در نخستین  
 ماههای سال ۱۳۵۷ برای تشییع جنازه  
 زنده یار "عزیزوسفی" (که ۲۵ سال  
 عمرش را در سیاهچالهای رژیم استبداد  
 سلطنتی گذرانده و بر اثر اسراف و  
 کرهاورد اینزند انهابود بفاصله  
 کوتاهی پس از آزادی درگذشت)  
 تظاهراتی بر راه انداختند کهدر مقیاس

خود با توجه به کل جمعیت "مهاباد"  
 در آن زمان و نسبت از تظاهرات  
 استقبال از خمینی کمتر باشکوه نبود، چون  
 اولاً در رژیم سیطره کامل رژیم کهنه سوز  
 هیئت وسطوتش را از دست ندادند و پس  
 این تظاهرات صورت گرفت، ثانیاً به  
 گواهی شاهدان عینی فاصله بین  
 شهرهای "میاندوآب" و "مهاباد" را  
 این تظاهرات پوشاندند و این چندین  
 برابر فاصله مهرآباد تا بهشت زهرا  
 است. همچنین وقتیکه "غنی بلوریان"  
 مدتها قبل از مراجعت خمینی به ایسرا  
 نیز پس از ۲۵ سال تحمل زندان  
 شکنجه از زندان آزاد شد قریب ۱۵۰ هزار  
 نفر از او استقبال کردند، جمعیت مهاباد  
 و اطرافش را در نظر بگیرید و این رقم را نسبت  
 بحساب بگیرید ببینید به نسبت تهران  
 و سراسر ایران این جمعیت بیشتر است  
 یا تظاهرات استقبال از خمینی آنهم  
 شرایطی کاملاً متفاوت و با آنهمه تبلیغات  
 را در یوهای خارج و داخل و مطبوعات  
 بگذریم از اینکه این غنی سینه  
 بعد ها در دام سایس رهبری حاکم  
 توده اسپرگردد و به ملتش و تمام سوابق



اوباش تهران از قبیل شعبان و طیب و غیره غیره بود منصوب گردید تا رژیم کورد تا بدین وسیله خواست پایه‌گذاختن اران را اخلی اش را پاس داشته باشد، حقوق داشت در تهران به‌غیر از فرماندهی و زبان مرکز باشد پیراهن سیاه درست کند و کسی مردم کوردستان حق ندارند عهد مدار نظم و آرامش شهرهای خودشان باشند؟

.....  
 شما تکیه روی حضور افراد و گروه‌هایی کردید که در کوردستان و ترکمن صحرا می‌کنید که نه کرد هستید و نه ترکمن بلکه از تهران و سایر شهرهای ایران رفتانید "آخر ادعای تجزیه طلبی کجا و این حرف‌ها کجا؟ افرادی از شهرهای دیگر ایران به کوردستان آمدند تا آنرا تجزیه کنند؟ آنروزها افراد سازمان چریک‌های فدایی خلق در کوردستان و ترکمن صحرا فعال بودند، اعضای این سازمان از افراد محلی بودند، شما بد کسانی از مسئولین از تهران و جاه‌های دیگر آمدند، چه اشکال داشت که اینان در میان مردم کورد و ترکمن باشند؟ اینک خود اقوی دلیل برای اینست که جنبش در پیوند با جنبش سراسری ایران است

ارزانتیش نداشت کرد و طسوق عبودیت رژیم جمهوری اسلامی را به گردن انداختند و خدمت و نفرین بر خود خریدند، گردانندگان دولت انقلاب" بقول حضرت چه کسانی بودند آيا جز چمران و یزدی و قطب زاده، اختیار قدرت در یزد و یزدی بود؟ صاف بدیدید آيا یزدی و چمران و قطب زاده را مردم تهران می‌شناختند؟ هرگز به مردم ایران؟ ماه‌ها پیش از استقرار این حضرات در مرکز، مردم نصیل کرده و درس خوانده "تهران" چمران را اهل لبنان میدانستند! چرا حق داشت به تمامی زرادخانه‌های کوه رژیم شاه به ارث ماند بود مسلط گردید؟ آيا یزدی حق داشت بر اساس حرمانه سیاسی سفارت ایران در شناسگن مسلط گردد، چرا قطب زاده حق داشت تمامی دستگاه‌های یزدی و تلویزیون را را اختیار بگیرد، چرا فرهنگ رحیمی کسود و شبه کوردت‌های اسفند علیه صدق شرکت داشت و بی از سازماندهان حمله به قائمگاه صدق بود و بعد هانیز از قهرمانان دتای ۲۸ مرداد بود و پس از کوردت است کلاشتری ۶ تهران که مرکز تمام

ورنگ تجزیه طلبی ندارد. حقیقت اینست که برغم " دولت انقلاب " چنین سازمانهایی حق حیات و حق اظهار وجود نداشته اند و لی چون در کردستان و ترکمن صحرا این سازمانها نمیتوانستند بر بال جنبش های ملی خلقهای کرد و ترکمن آزاد نه فعالیت کنند و پیروبال بگیرند مسئله برای " دولت انقلاب " و هواداران غیر قابل تحمل مینمود و به فتوای حضرت این چیزی نبود " جز توطئه " استعمارگران و شمال را اخلی آنها " . اهانت از این بالاتر به جنبش ملی - انقلابی مردم کردستان متصور است ؟ آیا اظهارات بنی صدر یکسال بعد از این تاریخ جز تکرار فرمایشات حضرت چیزی بگری بود ؟ استعمار و ریشه های عمیق را اخلی آن چگونه سرکوب میشد ، آیا بجز بان نیروی مردم و توده ها ؟ وقتی شما اصیلترین جنبشهای توده های و خلقی را متهم به این میکنید که کارگزار توطئه های استعماری هستند با چه نیروئی میخواهید به جنگ استعمار بروید ؟ با امداد های غیبی همانگونه که خمینی رفته است و می رود ؟ ! خوشبختانه اکنون پس از چهار سال هشت ماه معنی این جماعات بیشتر مفهوم است و ماهیت مدعیان

مبارزه با استعمار بیشتر از هر زمان بره و عیان گردیده است . اما راجع بان جز از خطاب حضرت بعد بیرون حزب مکررات کردنتی که " برادران و خواهران کرد بخاطر من و ولهجه و نژاد خود مورد ظلم و ستم نیستی گرفتند " باید بگویم که برخلاف ادعای حضرت این عوامل در رشد و ستم و توجیم ظلم به برادران و خواهران کرد ایش تاثیر قاطع داشته اند . حضرت پیروان واقعیات تاریخی بی خبرند و یا میدانند و تجاهل العارف میکنند . بعنوان مثال از همان قزوین مسقط الرأس خود شروع میکنم : از قزوین به طرف تبریز بروید ، آبیگ و ساجبلاغ و هشنگرد در روزهای کرج ، محل سکونت طوایف متعدد کرد میباشند که غالباً هم گور و پیرو مذهب اهل حق اند ، آیا اینها شواهد زنده یارگاری از کوچیان اجباری کردها از سرزمین آبسرد واجداریشان نیست ؟ از قزوین بطرف رشت بروید ، در گردنه " ملا علی و اطلس " نیز طوایف دیگری در بهمین عنوان اسکان داده شده اند . از تهران خارج شوید

مشکل استعمار نیروهای افکندگی ایران



فرد ماوند و فیروزکوه بروید، روستاهای  
 در هن و بومهن و جابون و غیره مرکز  
 مسکن طوایف را بگرکرد میباشند و  
 اساساً این الفاظ مثلاً "جابون گمات  
 کردی هستند؛ از تهمان بطریق  
 چالوس بروید در منطقه کلاردشت  
 طوایف کرد که با جبر در آنجا سکونت  
 را داشته اند با ساکنین اولیه محلی  
 که اصطلاحاً "گیل خواند میشوند هنوز  
 هم که هنوز است در جماعت جدا از  
 یکدیگر و هر یک با خصوصیات خاص خود  
 در آنجا در کشاکش و درگیری هستند. از  
 ساوه بطرف اصفهان بروید، اطراف  
 رودخانه شور در امنه های ارتفاعات آن  
 حوالی باز طوایف را بگر کرد از قبیل  
 میش مست و غیره با جبار سکونت را در  
 شده اند که آنان نیز با شاهسونهای آن  
 حدود همواره در کشاکش بود هاند. از  
 خراسان و ولایات قوچان و دره جسر و  
 بجنورد که دیگر نیازی نیست شاهد مثال  
 بیاوریم اکثریت قاطع سکه این سه ولایت  
 را کرد هائی تشکیل میدهند که از زمان  
 صفویه به بعد اجباراً به آن نواح

کوچاندن اجباری طایفه گلباغی در  
 زمان رضاشاه در چله زمستان به بیابانهای  
 اطراف کاهمان اطلاع را درید با خیسبر  
 صد ها نفر زن و کودک و پیر مرد در این کوچ  
 اجباری در زمستان به کاشان نرسیدند  
 ازین رفتند. ازینرا کندن طایفه زتند در  
 اطراف واکتاف را بگرچه بگویم؟ بهمن  
 نشان بد هید ملینهای بد بگر را که  
 اینچنین با اجبار و زور در طول صد ها  
 سال از سر زمینش کند شده و به اطراف و  
 اکتاف کشورهای آری با خصوصیات  
 اقلیمی متفاوت پراکند شده باشد؟ من  
 خودم پس از حدود ۵۰ سال هنوز  
 سوزش و درد شلاقهائی را که بجرم  
 کردی حرف زدن در بدستان شاهپور  
 خسور دام تابن ندان احساس  
 میکنم. شما چه میگوئید حضرت؟! نفستان  
 از جای گرم در میآید.  
 .....  
 خوانندگان عزیز میدانند که از همان  
 نخستین روزهای یورش به کردستان  
 سپاه پاسداران با اصطلاح انقلاب نقش  
 آهنگ را در سر میزدند.

نهتم با همپیشمرگان بلکه به زنان و کودکان  
رحم نصیب میکرد و واقعا " نفرت مردم  
کردستان نسبت به پاسد اران خاج از  
توصیف است. ببینید نشریه جنبش  
نسبت به این پاسد اران و عملیات  
" قهرمانیشان " در کردستان چگونه  
برخورد میکنند: " هفته پیش تلفظی  
داشتیم بسیار با احساسات از جوانی که  
خود را عضو سپاه پاسد اران میخواند و  
میگفت که جانبازان در سپاه پاسد اران در  
کردستان جنگیده است. . . . جنبش  
در شماره پیش را خواند بود گفای داشت  
از یک جمله یکی از مقالات ما. برادر پاسد ار  
سخت رنجید مخاطر شد بود از دید گاهی  
که او به مسئله نگاه میکرد شاید حق هم  
داشت. . . . تصور میکرد وقتی با آن شور و  
جانبازی در کردستان جنگیده است چسرا  
باید هدف انتقاد شخصی مثل حاج سید  
جوادی و روزنامه های چون جنبش قسرار  
گیرد. . . . انتظاری که از گل سپاه  
پاسد اران در آریم یک جموعه انقلابی و  
آگاه از جوانان انقلابی ما است یک بنام  
مسلاح و آگاه انقلابی که اگر در کردستان  
در ترکمن صحرا یا جای دیگر به جنبش

اعزام میشود دست کم از ما موریت  
از عقاید خود و طرف خود آگاه باشد.  
( نقل از مقاله " ماویاسد اران انقلاب از  
۶ جنبش شماره ۸۴ یکشنبه ۲۴ فروردین  
۱۳۵۹ )  
اما این تلقی از سپاه پاسد اران  
جهل و ظلمت را داشته باشید و بلافاصله  
تابلوی دیگری را ببینید که جنبش نویسنده  
نسبت به پیشمرگه های کردستان کهط  
چهار سال نبرد قهرمانی شبانه  
نشان دارند که انقلابی و آگاه کیست  
و بخاطر چه آرمان والا و شریفی میجنگد  
چگونه قضاوت میکنند:  
" طبق خبر را یو، ارتش به مردم با  
اخطار کرد ما است که یا خرابکاران را از  
بیرون کنید یا اینکه ارتش بسوی شهر  
شلیک خواهد کرد. اینگونه اخطار ص  
به مردم یک شهر حقایق چسرا  
نگران کنند های را در متن مسئله کرده  
 مطرح میکند. حقیقت اینست که اگر  
در خانهای رفت و در خانه با اسلحه به  
اعضای خانه مسلط شد آیا پلیس به  
در سنگیر کردن در خانها بر سر اهل  
خراب میکند و یا از خارج به اهل خان



محتاج تغییراند: نیروهای قهرمان  
 پیشمرگه را دزد و خرابکار خوانند  
 " دفاع از حقانیت قیام کردستان است"  
 یاسد اران بازوهای مسلح انقلابند  
 و پیشمرگان کرد خرابکاران و دزدانی که  
 " با استفاده از وضع خود بر مردم ستمند  
 یا بانه مسلط شده‌اند! مسررم  
 کردستان در هر شهرو ده، در هر کوی و  
 برزن به نیروهای پیشمرگه به عنوان مظهر  
 شرف و حیثیت و آزادگی ملیشان نگریسته  
 و مینگرند. مردم کردستان علانیه نشان  
 دارند که از فرزندان قهرمانان  
 پیشمرگه نشان به مثابه مردمک چشم حفظ  
 و حراست میکنند. برآستی آیا جز اینست  
 که پیشمرگان قهرمان قلب سوزان و پیشانی  
 بلند و پرافتخار و فروغ مردم کرد هستند؟  
 شاید نه تنها حضرت بلکه جز مردم  
 کردستان کسی هنوز هم نمیداند که اهالی  
 شهرهای ستمند و سقز و بانه و مهاباد  
 هنامیکه شهرهایشان مورد هجوم ارتش  
 مهاجم و یاسد اران اشغالگر خمینی قرار  
 گرفت چه اسطوره‌هایی از قهرمانانسی  
 و ایثار آفریدند. در استان این قهرمانیهای  
 افسانه‌ای نوشته‌شده است ولی هرگاه

بگوید یازد را بیرون کنید یا بسد  
 شخص دزد از صاحب خانه به درون  
 خانه تلیک می‌کم؟ اگر خرابکاران کبیا  
 ستفاده از وضع خود بر مردم ستمند  
 یا بانه یا هر شهر دیگر مسلط شده‌اند  
 و با اصطلاح آنها را برای حفظ جان خود  
 در برابر نیروهای ارتش سپریلا کرده‌اند  
 در این صورت آنکه در برابر گولسه و  
 بمبهای ارتش گشته‌میشوند مردم و زنها  
 و بچه‌ها هستند... در این صورت  
 خرابکاران اسلحه دست و تیریا یا جنگ و  
 گریز خود را نجات میدهند... با توجه  
 به این اصل حل مسئله از طریق دخالت  
 ارتش باید بطریقی انجام گیرد که جان و مال  
 زندگی مردم در شهرها در امان بمانند و  
 صف خرابکاران از مردم عادی که جزو  
 هیچ دسته‌گروهی نیستند جدا شود...  
 هر کس بخواهد خاک ایران را تجزیه کند  
 یا در راه مبارزه بخاطر آرمانهای خود  
 دست کمک بسوی بیگانه دراز کند و  
 آلت دست شود محکوم است و غیر قابل  
 دفاع ( از مقاله: اخطار ارتش به مردم  
 بانه جنبش شماره ۸۸ یکشنبه... )  
 ۰ (۱۳۵۹/۲/۲۱)  
 خوانندگان عزیز! آیا این جملات

بقیه: راه، راه مکراسی . . .

بر حسب اتفاق مسافری پیدا میشود و  
خاطره‌های از آن قهرمانیها را باز میگوید  
سوی برانسد ام من راست میشود .  
حضرت باور کنید پیشمرگان زرد و خرابکار  
نیستند و بزور بر مردم مسلط نشده‌اند  
آنان فرزندان آگاه و لاوور خلق کُرد  
میباشند که جان پرکف از حیثیت و  
شرف و ناموس و خانه و کسالتان و  
خانوارشان و جبب به جبب با چنگ و  
زند ان دفاع کردند و میکنند  
زرد و خرابکار پاسداران و ارتش‌های  
مهاجمی بودند که به صغیر و کبیر رحم  
نکردند خانه‌ها را بر سر مردم ویران کردند  
بعد دختران و زنان تسمسجاوز کردند  
و هم‌جاری غارت کردند و آتش کشیدند .  
واقعا با وجود این چنین نوشته‌هایی  
شرم نمیکنید و قتیکه میگوئید " از حقانیت  
قیام کردستان دفاع کرده‌اید ؟"

نیروهای پیشمرگه این اسطوره‌های  
شرف و قهرمانی پا از سر زمین کردستان  
بیرون نگذاشته‌اند . آنان در خانه و  
کاشانه‌شان در کنارید رومسار و وزن  
و فرزندشان بودند . آنان میخواستند

و میخواهند زندگی انسانی توأم با آزادی  
و آرامش داشته باشند ، این نیروهای  
پاسداروارثی بودند که برای گستردن  
بساط عدل اسلامی و برای چنانند  
مزه اسلام راستین به کردستان یورش  
ببردند . آنان برای پاکسازی رفته و  
میروند ، معنی پاکسازی چیست؟  
پایمال کردن آثار ملیت و انسانیست  
و جوانمردی و اعتقادات پاک دینی  
ساکنان کردستان . این قزلباشان جدید  
مبلغین تشیع خمینی هستند ، اینان  
حقا " ار آمدند گان کار و دنیا له روان  
راه قزلباشان صفوی میباشند و میخواهند  
کاری را که آنان نتوانستند اینان در  
کردستان به سامان برسانند با همسان  
درند و خوئیها و همان شق و ساقوت  
و وحشیگریها . . . . .

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*



بقیه: دو غریبه آشنا.

است که یکبار آن بدنبال شکست جنبش ۴۶ - ۴۷ بود. او جمعاً هفت سال از زندگی خود را در زندان بسربرد. بعد از آن قسماً سلاب مسئولیت‌های حزبی را با شور و شوقی در چندین ارامه دار. «مامه‌قاله سوتو» در منطقه بانه می‌توان سبب از فدائیکاری، ضد اقت انقلابی، شجاعت و نمونه یک پیشمرگ راستین شناخته می‌شود. در نوروز ۶۱ در اثر انفجار مینتی که سه توسط ایادی دشمن بر سر راهش گذاشته شد بهود یک پای خود را از دست داد. لیکن این رویداد هرگز در اراده آهنین وی خللی ایجاد نکرد چرا که بعد از بیرون آمدن از بیمارستان حزب مسئول تشکیلات حزب در بخش میدانان بانه شد و پستان گذشته‌ها فعالیت خود را در ارامه دار. پس از چندی در یکی از مأموریت‌های حزبی باید بگرش نیز شکست و مجبور شد بار دیگر به بیمارستان حزب برگردد. مامه‌قاله اکنون در کمیته شهرستان بانه در جمع رفقای حزبی که همگی از وی جوان‌تر و

اکثر از پروردگان مکتب خود وی هستند، همچنان امیدوار و امید بخش به کار حزبی خود را امید دهد. \*

\*\*\*

مامه‌قاله و قادر آغا هر دو بارزترین نمونه فرزندان خلق ستند بدای هستند که سالها است در پی دستیابی به ابتدائی‌ترین حقوق انسانی خود مبارزه میکنند؛ خلقی که تنش از بیدار ستمگران رنجور است اما نه زندان و شکنجه و تیرباران فرزندان، نه بمباران شهرها و روستاها پیش بدست دشمنان قسم خوردنش هیچکدام نتوانسته است اراده استوارش را در هم شکند، و هنوز هم گرچه تقریباً تنها، اما سرفراز و امیدوار بر سرپای خود ایستاده و بیگاری خونین و نابرابر علیه سپاه خفاشان برخاسته از دل تاریکیهای زمان را به پیش میرد. «مامه‌قاله سوتو» و قادر آغا نمونه‌هایی از هزاران انسان پاکبختی هستند که همه چیز خود را در راه آزادی خلق خود فدای کرده‌اند. هر دو تمامی عمر خود را صرف مبارزه در راه آرمان حزب و خلقشان نمودند؛ و امروز اگرچه یکی بدلیل نقص عضو و دیگری بسبب پیسری



بقیه: دو غریبه آشنا.

توانائی چندانی برای کار عملی ندارند، لیکن صرف بودنشان در جمع رفقای حزبی ایمان جوانان را در مبارزه تسلسل کسب پیروزی بر سپاه جهل و خرافه پرستی در وچندان میکند.

مامه مقاله ها و قار را غماها در صفوف حزب ماکم شمار نیستند، آنها برای تمامی اعضای حزب سمبل و نمونه بشمار می آیند، چراکه در حفظ سنت های حزب و تد اوم مبارزه خلق ماهر آنچه در توان داشته اند در بیخ نکرده اند، بچساست حرمت آنها را پاس داریم.

\*) - درست بهنگام چاپ این مقاله خبر رسید که یک بازوی "مامه مقاله" نیز در ریک دست و پنجه نرم کردن دیگر با دشمن شکستو "مامه مقاله" دست شکستویی پا پس از ۲۴ ساعت توانست است خود را به پایگاه برساند و هم اکنون با بیصبری در انتظار بهبود بازوی شکسته خویش است تا زود تر به سنگر بازگردد!

## راديو صدای کردستان ایران

همه روزه:

امواج کوتاه ردیفهای ۴۱،۳۱ و ۷۲ متر

برنامه اصلی: ساعت ۱۲/۳۰ تا ۲ بعد از ظهر

عین این برنامه: " ۵ تا ۶/۳۰ "

برنامه کردی روز بعد: " ۷ تا ۸ صبح "

